

در آستانه حمله نظامی آمریکا

سلاحهای کشتار جمعی عراق؛

پرسش از بود و نبود

کوروش احمدی

مقدمه

این موضوع پرداخت، به این سؤال پاسخ داد. این یافته‌ها حاکی از آن است که هر چند رژیم بازرسی و فشارهای بین‌المللی در خلع سلاح عراق و مهار فعالیتهای تسلیحاتی ممنوعه در آن کشور توفیق چشمگیر به دست آورد، اما نهایتاً نتوانست تصمیم استراتژیک رژیم برای تجهیز خود به سلاحهای ممنوعه را تغییر دهد. به عبارت دیگر، اگرچه ذخایر سلاحهای ممنوعه، به هر طریق، در دهه ۱۹۹۰ ناپود شد و بخش مهمی از ساختارهای فیزیکی مربوطه از بین رفت، اما تلاش برای حفظ حداکثر ساختارها و دانش فنی و مواد لازم جهت از سرگیری مقاله حاضر فشرده‌ای از یکی از فصول یک کار تحقیقاتی راجع به خلع سلاح عراق توسط شورای امنیت است که در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی انجام شده است.

وجود یا عدم وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق و برنامه‌های تولید آن، خصوصاً بعد از حمله عراق به کویت، طی حدود ۱۲ سال از موضوعات مهم در دستور کار جامعه بین‌المللی بود. سرنگونی رژیم صدام حسین این فرصت را فراهم آورد تا به نحوی قطعی به مناقشات در این مورد خاتمه داده شده و از جمله مشخص شود که آیا تلاشهای گسترده، بی‌وقفه و دامنه‌دار شورای امنیت طی ۱۲ سال و رژیم بازرسی تهاجمی و پیچیده‌ای که از آن نشأت گرفت، توفیقی در خلع سلاح و مهار رژیم صدام حسین داشت یا خیر. اکنون به نظر می‌رسد که می‌توان با توجه به یافته‌های هیئت تحقیق آمریکایی در عراق که بعد از اشغال این کشور طی حدود ده ماه به بررسی

موضوع مورد بحث، یعنی ادامه برنامه‌های صدام حسین برای تولید تسلیحات کشتار جمعی، نظری اجمالی نیز به ادعاهای دولت آمریکا قبل از حمله به عراق و در بخش عمده آنها در نتیجه یافته‌های گروه تحقیق در محل افکنده شده است. این نوشته همچنین حاوی توضیحاتی در مورد علل رفتار صدام حسین در قبال تهدیدهای جدی علیه رژیم‌اش است. از آنجا که مطالب این مقاله عمدتاً بر پایه گزارشهای «گروه بررسی عراق» که توسط دولت آمریکا ایجاد شد، استوار است، به نظر ضروری می‌رسد که قبل از ورود به مباحث اصلی، نظری اجمالی به تحقیقات آمریکا در مورد موجودی و برنامه‌های تسلیحاتی غیرمتعارف عراق و میزان اعتبار نتایجی که تاکنون از این تحقیقات حاصل شده، افکنده شود:

۱- تحقیقات آمریکا و میزان اعتبار آن

در پی تهاجم آمریکا به عراق و ورود نیروهای آمریکایی به آن کشور، ارتش اشغالگر بلافاصله تلاشهای خود را برای یافتن موجودی سلاحهای کشتار جمعی که وجود آن از نظر واشنگتن قطعی می‌نمود، آغاز کرد. طی هفته‌های بعد از سقوط صدام کراراً گزارشهایی در رسانه‌های آمریکایی مبنی بر یافته شدن نمونه‌هایی از سلاحهای ممنوعه انتشار می‌یافت، اما حداکثر بعد از چند روز بی پایه بودن این گزارشها قطعی می‌شد. با توجه به بحثهای گسترده و

برنامه‌های تولید سلاحهای کشتار جمعی بعد از رفع تحریمها ادامه یافت.

روشن شدن واقعیت سیاستهای تسلیحاتی عراق از دو جهت مهم و درخور پیگیری است: نخست از جهت موجه یا غیرموجه بودن حمله نظامی آمریکا و متحدانش به عراق و اشغال آن کشور و دوم از جهت نفس وجود یا عدم وجود چنین سلاحها یا برنامه تولید آنها و سیاستی که رژیم صدام حسین در این رابطه در دوره بعد از جنگ کویت و شروع بازرسیهای بین‌المللی دنبال می‌کرد. جنبه دوم هم در دستور کار این تحقیق قرار دارد و هم از نظر ایران و دیگر کشورهای منطقه مهم‌تر است. مروری بر اطلاعات منتشره بعد از اشغال عراق می‌تواند روشنگر سیاستهای تسلیحاتی عراق باشد و تهدیدات و مخاطراتی را که از ناحیه رژیم صدام حسین متوجه منطقه بود، مشخص نماید. شواهد و مدارکی که در دوره بعد از سقوط صدام حسین به دست آمده، به طور کلی روشن کرده است که اگر چه عراق، برخلاف ادعاهای آمریکا و انگلیس، در آستانه جنگ تقریباً هیچ نوع موجودی و ذخیره‌ای از سلاحهای کشتار انبوه در اختیار نداشت، اما خواسته و هدف صدام مبنی بر دستیابی به این گونه سلاحها هرگز کنار گذاشته نشد و تلاشهای او در حد امکان برای حفظ تواناییهای لازم جهت تولید آنها همواره ادامه یافت.

در این نوشته علاوه بر پرداختن به اصل

ادعاها و ضد ادعاهای عدیده در دوره قبل از جنگ، طبعاً روشن شدن موضوع از جهات سیاسی و تبلیغاتی نیز همواره از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است.

۱-۱- تشکیل گروه تحقیق عراق

تقریباً بلافاصله بعد از تثبیت سربازان آمریکایی در عراق در آوریل ۲۰۰۳، وزارت دفاع آمریکا دو گروه را برای کار بر روی سلاحهای کشتار جمعی عراق فعال کرد. یکی از این دو گروه که نفرات آن غیرنظامی بودند، «گروه بررسی عراق»^(۱) نامیده شد و تحت فرماندهی ژنرال کیث دیتون، معاون آژانس اطلاعاتی دفاعی^(۲) وابسته به پنتاگون، قرار گرفت. برای تکمیل

نفرات این گروه عمدتاً از بازرسان سابق آنسکام و آنموویک استفاده شد. گفته می شود که ایده ایجاد این گروه حدود یک سال قبل از حمله در فرماندهی مرکزی آمریکا و به عنوان بخشی از برنامه ریزیهای برای تغییر رژیم در عراق شکل گرفته و در یکی دو ماه منتهی به حمله، تلاشها برای تعیین ترکیب نهایی آن تشدید شده بود. هم زمان یک گروه نظامی نیز تحت نام «آژانس کاهش تهدید»^(۳) برای خنثی سازی سلاحهای غیرمتعارفی که ممکن بود یافت شود، شکل گرفت.^(۴)

نهایتاً، بعد از گذشت حدود دو ماه و عدم پیشرفت در کار از یک سو و حساسیتهای سیاسی مسئله از سوی دیگر دولت بوش ناچار از

سازماندهی مجدد کار تحقیقات و انتصاب دیویدکی^(۵) به عنوان مشاور ویژه رئیس سازمان سیا و هماهنگ کننده تحقیقات در «گروه بررسی عراق» شد. در بیانیه ای که به این منظور از سوی سازمان سیا در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳ انتشار یافت، تأکید شده بود که «دکتر کی مسئول دقیق کردن رهیافت کلی در جستجو برای یافتن سلاحهای کشتار جمعی خواهد بود و گروه بررسی عراق، وابسته به پنتاگون، پشتیبانی لازم را از مشاور ویژه به عمل خواهد آورد.»^(۶) به این ترتیب اختیارات پنتاگون در امور ماهوی مربوط به تحقیقات در مورد سلاحهای کشتار جمعی عراق کاهش یافت و نقش آن عمدتاً به حفاظت و پشتیبانی از فعالیتهای دیوید کی محدود شد.

این اقدام، در عین حال، گویای تحولی در اختلافات داخلی در دولت بوش و نیز منعکس کننده تلاشی از سوی دولت برای ایجاد هماهنگی بین بخشهای مختلف و بسیج همه امکانات و تخصصها جهت حل مسئله بسیار مهم سلاحهای ممنوعه عراق بود. اگر چه اداره گروه همچنان در دست پنتاگون باقی ماند، اما تصمیم به اینکه دیوید کی، به عنوان مسئول و هماهنگ کننده فعالیتهای محتوایی، به رئیس سیا گزارش دهد، به نوبه خود تحول مهمی بود و حکایت از بهتر شدن موقعیت سیا در رقابتهای کاهش کنترل پنتاگون بر روند تحقیقات داشت. در عین حال، کار «آژانس کاهش تهدید» که یک گروه نظامی است، تحت نظر پنتاگون ادامه

یافت. اضافه صدها سرباز که با توجه به شرایط جنگی در عراق مأمور محافظت بوده‌اند، در اختیار داشته است. وی همچنین تصریح کرد که به تمام اسناد محرمانه مربوطه که توسط جامعه اطلاعاتی آمریکا در مورد برنامه‌های تسلیحاتی عراق تهیه شده، دسترسی کامل داشته است.^(۷) شایان یادآوری است که دولت آمریکا تا ژانویه ۲۰۰۴ حدود ۹۰۰ میلیون دلار برای تحقیق در مورد تسلیحات ممنوعه در عراق هزینه کرد.^(۸) به علاوه، قابل توجه است که تحقیقاتی که توسط دیوید کی در عراق انجام شد و توسط جانشین او دنبال می‌شود، در شرایطی کاملاً متفاوت با تحقیقات سازمان ملل و سازمانهای اطلاعاتی راجع به برنامه‌های تسلیحاتی عراق طی ۱۲ سال صورت می‌گیرد. «گروه بررسی عراق» برخلاف پیشینیان‌اش به اطلاعات ناقص و عمدتاً نادرستی توسط رژیم به بازرسان داده می‌شد یا جمع‌آوری اطلاعات توسط بازرسان که تحت تأثیر تاکتیکهای فریب رژیم قرار داشت و یا اطلاعات ارائه شده توسط فراریان که بعضاً جعلی بود، یا خود آنها مأموران دولت عراق بودند و یا اطلاعات ناقصی که از طریق ابزار فنی توسط آمریکا به دست می‌آمد، نیاز نداشته و از این امتیاز برخوردار بوده که مستقیماً به بسیاری از مقامات و دانشمندان و محلل‌های مظنون دسترسی مستقیم و بی‌واسطه داشته و در محیطی عاری از ترس رژیم سابق کار خود را انجام دهد.

به این ترتیب، دیوید کی از ژوئن ۲۰۰۳ تا ۲۳ ژانویه ۲۰۰۴ که از سمت خود استعفاء داد، نقش اصلی را در جستجو و تحقیقات در مورد سلاحهای کشتار جمعی عراق عهده‌دار بود و برای این منظور «گروه بررسی عراق» با حدود ۱۴۰۰ نفر پرسنل نظامی و غیرنظامی را در اختیار داشت. وی ۶۳ ساله و از کارشناسان بازنشسته سازمان سیا است و به عنوان مسئول بازرسی سلاحهای هسته‌ای آنسکام در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۱ در عراق کار کرده بود. وی طی گزارشهایی به کنگره در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۳ و ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴ و نیز طی مصاحبه‌هایی با رسانه‌ها نتایج تحقیقات انجام شده توسط گروه را اعلام کرد. این گزارشها و مصاحبه‌های او می‌توان منابع علنی تقریباً منحصر به فرد و اصلی در مورد وضعیت موجودی و برنامه‌های ساخت تسلیحات کشتار جمعی در دوره صدام حسین در عراق دانست.

دیوید کی در گزارش خود به کمیته نیروهای مسلح سنا در ۲۸ ژانویه در مورد فعالیتها و امکانات «گروه بررسی عراق» گفت: این گروه هزارها محل را در عراق مورد بازدید قرار داده، با صدها عراقی مصاحبه و صدها هزار سند را مرور کرده است. وی همچنین توضیح داد که در دوره کارش در عراق ۱۱۰ تا ۱۳۰ تحلیل‌گر، ۳۰۰ تا ۴۰۰ مترجم و بین ۳۰ تا ۴۰ مأمور مخفی که در محل مأموریتهای ویژه انجام می‌دادند، به

از طرفی، استعفای دیوید کی در حالی بود که وی در اوایل اکتبر و بعد از اولین گزارشش به کنگره اعلام کرده بود که بین ۶ تا ۹ ماه دیگر برای تکمیل کار خود به وقت نیاز دارد و در همین زمان دولت درخواست ۶۰۰ میلیون دلار بودجه اضافی برای تکمیل تحقیقات را به کنگره داده بود.^(۹)

وی در نشست کمیته نیروهای مسلح کنگره در ۲۸ ژانویه در پاسخ به سؤال سناتور کلینتون درباره علت استعفایش قبل از تکمیل تحقیقات گفت: «موقعی که با پذیرش مسئولیت موافقت کردم دو شرط داشتم: اول اینکه تشکیلاتی که قرار بود این کار را انجام دهد، یعنی گروه بررسی عراق، تماماً بر این کار متمرکز باشد، چرا که تجارب حاصل از کار با دولت فدرال به من آموخته بود که با چند رئیس و چند شرح وظیفه متفاوت مشکلاتی پیش خواهد آمد. و دوم اینکه با توجه به ماهیت تحقیقاتی که قرار بود واقعیات را مشخص کرده و میزان

۲-۱- میزان اعتبار گزارشهای دیوید کی

درستی برآوردهای اطلاعاتی توسط جامعه اطلاعاتی را مشخص کند، لازم بود که من استقلال لازم برای انتخاب ابزار و منابع لازم جهت انجام مأموریت را داشته باشم. جرج تنت با این شرایط موافقت کرد.» وی افزود: «در نوامبر ۲۰۰۳ مشخص شد که تلاشهای من برای تمرکز توجه انحصاری گروه بررسی عراق بر موضوع سلاحهای ممنوعه نمی تواند باموفقیت همراه باشد. در آن تاریخ تصمیم گرفته شد تا

اولویتهایی و شرح وظایفی علاوه بر مسئولیت اصلی برای گروه در نظر گرفته شود. در نتیجه منابعی که در اختیار ما قرار داشت عملاً به نصف تقلیل یافت. لذا تصمیم به کناره گیری گرفتیم.» سناتور کلینتون در همین نشست از تقلیل داده شدن منابع به نصف نتیجه گرفت که شاید در نوامبر برای دولت مشخص شده بود که ذخایری از سلاح ممنوعه یا اسناد مربوطه در عراق یافته نخواهد شد.^(۱۰) رسانه های آمریکا نیز در زمان انتشار اخبار مربوط به کاهش پرسنل «گروه بررسی عراق» نتیجه گیری مشابهی را داشتند. نیویورک تایمز طی مقاله ای در ۲۷ نوامبر ضمن گزارش انتقال دهها کارشناس و زبان شناس از گروه به فعالیتهای مربوط به دفع حملات علیه نیروهای آمریکایی، آن را نشان دهنده اهمیت بیشتر خنثی کردن این حملات در مقایسه با حل معضل تسلیحات غیر متعارف عراق برای مقامات آمریکای دانسته بود.^(۱۱)

یکی از محورهای عمده دکترین امنیتی رژیم بعثی عراق بوده است و گزارشهای دیوید کی مؤید این نظر است، ضروری است که بدو نظری بر درجه اعتبار این گزارشها و میزان استقلال فکری و نظری او افکنده شود:

همان طور که جلوتر به تفصیل تشریح شده، تقریباً هیچ یک از نتایج حاصله از تحقیقات دیوید کی و گروه او در تأیید موضعی که از سوی مقامات آمریکایی در دوره قبل از حمله به عراق مطرح می شد، نیست. این را شاید بتوان مهم ترین دلیل بر له این تحقیقات، عینی بودن آن و بر کنار بودن آن از اعمال نفوذ دولت بوش و به شمار آورد.

دیوید کی با گفتن این جمله که در مورد وجود ذخایر سلاحهای کشتار انبوه در عراق «ما تقریباً همه در اشتباه بودیم»، در واقع خود را نیز شامل کسانی که در اشتباه بودند دانست. در واقع، وی از کسانی بود که در طول سالها و ماههای منتهی به حمله به عراق همواره اظهار عقیده کرده بود که رژیم عراق طی دهه ۱۹۹۰ از طریق اعمال سیاست فریب و انکار موفق به عقیم گذاشتن رژیم بازرسی سازمان ملل و حفظ ذخایر سلاحهای کشتار جمعی و تواناییهای مربوطه شده است. وی بعد از سخنرانی کالین پاول در شورای امنیت در ۵ فوریه ۲۰۰۳ که طی آن مدارک دولت آمریکا در مورد وجود سلاحهای ممنوع در عراق عرضه شد، طی مصاحبه ای قویاً از اظهارات پاول و نتیجه گیریهای او

حمایت کرد و او را در اثبات مواضع آمریکا موفق دانست. وی سخنان پاول مبنی بر اینکه عراق برنامه های خود را مخفی کرده و تهدیدی علیه آمریکا و متحدانش در منطقه است را تأیید کرد.^(۱۲) وی در یک سخنرانی در موسسه تحقیقاتی بروکینگز نقطه نظراتی تند علیه عراق مطرح کرد و مدعی شد که عراق «برنامه هایی فعال در زمینه تولید سلاحهای شیمیایی و میکروبی دارد و برنامه هسته ای آن کشور نیز گاه فعال و گاه غیر فعال است». در همین سخنرانی وی از حمله به عراق در سریع ترین زمان ممکن حمایت کرد.^(۱۳) دیوید کی همچنین از منتقدان هانس بلیکس و به طور کلی رژیم بازرسی سازمان ملل بود.

رابطه بین تروریسم و رژیم عراق و این احتمال که به تعبیر جرج بوش «رژیمهای یاغی» نهایتاً تروریستها را به مهلک ترین سلاحها مجهز نمایند، یکی دیگر از مهم ترین دلایل مطرح شده از سوی بوش برای قانع کردن افکار عمومی در آمریکا به لزوم حمله به عراق بود. در سخنرانی مهم پاول در شورای امنیت در ۵ فوریه ۲۰۰۳ مطالبی نیز در مورد ارتباط رژیم صدام با القاعده از طریق شبکه ابو مصعب الزرقاوی مطرح شده بود. این موضوع اگر چه در شرح وظایف دیوید کی نبود، اما وی تنها به گفتن این بسنده کرد که عراق بیش از پیش رو به آشفتگی داشته و «محل تردد» تروریستها بوده و این خطر وجود داشت که نهایتاً مواد خطرناک

به دست تروریست‌ها بیافتند. اما اظهارات دیویدکی در مورد برنامه عراق برای ساخت هواپیماهای بدون سرنشین که به ادعای مقامات دولت بوش ممکن بود از نقاطی در نزدیکی سواحل آمریکا برای حملات شیمیایی یا میکروبی به شهرهای این کشور مورد استفاده قرار گیرند، را بی اعتبار نمی کرد.

برخی اظهارات دیوید کی نیز در انتقاد از برخی ابعاد کلی سیاست دولت بوش بود. به عنوان مثال وی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای بی سی لازمه یک سیاست خارجی و نظامی مبتنی بر «اقدام با هدف پیش دستی»^(۱۴) را داشتن یک دستگاه اطلاعاتی «کامل و بدون نقص» دانست و در پاسخ به گفته تد کاپل، مجری برنامه، که «چنین چیزی نمی تواند وجود داشته باشد» گفت: «ما چنین چیزی نداریم و ممکن است از جهت واقعی و نظری هم چنین چیزی ممکن نباشد.» وی در ادامه به اشتباهات فاحش دستگاههای اطلاعاتی آمریکا طی چند دهه اخیر اشاره کرد.^(۱۵)

دیوید کی در جلسه کنگره در ۲۸ ژانویه در پاسخ به سؤال سناتور مک کین از حزب جمهوری خواه در مورد نظرش راجع به ضرورت انجام تحقیقاتی توسط کسانی خارج از جامعه اطلاعاتی آمریکا راجع به شکستهای اطلاعاتی گفت: «به طور کلی فکر می کنم که لازم است به شکست اذعان کنیم.» در همین رابطه وی در مصاحبه ای با واشنگتن پست ضمن تکرار اینکه ۸۵ درصد کار تحقیقات خاتمه یافته و یافتن اجزاء کوچک تر [برنامه های ممنوعه عراق] ممکن است ۱۵ سال به طول انجام اضافه کرد که «اما ما نباید برای یافته شدن همه اجزاء صبر کنیم و شروع به تحقیق راجع به آنچه که اتفاق افتاد نکنیم. نگرانی من این است که ابهام موجود توسط برخی به عنوان وسیله ای برای به تعویق انداختن تلاشها جهت روشن کردن علت اشتباهات مورد استفاده قرار گیرد.»^(۱۷)

نگارنده تاکنون به هیچ موردی، در داخل یا خارج آمریکا، که اصالت و استقلال عمل و نظر دیوید کی و نتایج اعلام شده توسط او را مورد سؤال قرار داده باشد، برخورد کرده است.

دیوید کی در مصاحبه با نیویورک تایمز در ۲۶ ژانویه گفت که هیچ فشاری از سوی دولت بوش برای تهیه نوع خاصی گزارش در مورد برنامه های تسلیحاتی غیرمتعارف عراق احساس

در سطح بین‌المللی نکرد بلکه بر آنها نیز افزود و مهم‌تر از همه نکته‌ای که گویای فوری بودن تهدیدی از سوی عراق علیه منطقه و غرب

باشد، در آنها دیده نشد، می‌توان یافته‌های او در مورد خواسته‌ها و برنامه‌های رژیم بعثی عراق در ارتباط با تولید سلاحهای کشتار انبوه را که خصوصاً به شکل مطرح شده، از نظر سیاست داخلی آمریکا حساسیت چندانی نداشت، معتبر و قابل استناد دانست.

چارلز دولفر^(۱۸) نیز که یک روز بعد از استعفای دیوید کی از سوی رئیس سازمان سیا برای ادامه مأموریت وی انتخاب شد، طی مصاحبه‌ای گفت که به وی اطمینان داده شده که در کارش مستقل خواهد بود و همه امکانات لازم در اختیارش قرار خواهد داشت. وی که به مدت ۷ سال در دهه ۱۹۹۰ معاون رئیس آنسکام بود، افزود: رئیس سیا به او گفته است که تنها می‌خواهد که حقیقت روشن شود. وی افزود

هدف این است که روشن کند که چه اتفاقی افتاده و وضعیت برنامه‌های تسلیحاتی عراق و نیز اهداف رژیم عراق چه بوده است.

دولفر قبل از تصدی سمت جدید طی مصاحبه‌ای به شبکه تلویزیونی PBS گفته بود که «احتمال یافتن سلاحهای شیمیایی و میکروبی در عراق نزدیک به صفر است. همه‌گونه انگیزه‌ای برای مقامات و دانشمندان عراقی وجود داشته که قدم جلو گذاشته و محل اختفا سلاحهای ممنوعه را نشان دهند؛ ولی چنین اتفاقی نیفتاده،

لذا فکر می‌کنم که اکنون مسئله این است که دامنه‌ی مشکل و جهت آن و قصد رژیم چه بوده است.»^(۱۹)

اظهارات فوق‌الذکر چارلز دولفر قبل از تصدی سمت جدیدش همسو با اظهارات دیوید کی در مورد در شرف اتمام بودن بخشی از کار بازرسی تسلیحاتی در عراق است. کی نیز در مصاحبه‌ای در ۲۶ ژانویه گفته بود که معتقد است که «۸۵ درصد از چیزهای مهم» پیش از این کشف شده و توجه داده بود که غارت شدید در عراق بعد از سقوط صدام موجب از بین رفتن اسناد و مواد مهمی شده و این بدان معنی است که یافتن تصویری کامل از آنچه عراق قبل از جنگ دنبال می‌کرد، عملاً غیرممکن شده است. وی گفت: «به خاطر غارنها همیشه درصدی از ابهام که قابل رفع یا کاهش نیست، باقی خواهد ماند.»

۳-۱- ابهامات موجود

امکان اینکه هیچ‌گاه نتوان تصویر روشنی از تلاشهای عراق برای دسترسی به سلاحهای کشتار جمعی به دست آورد، از مواردی است که با گذشت زمان بیش از پیش مطرح شده است. دیوید کی در پاسخ به سوالی در گزارش ۲۸ ژانویه‌اش به کنگره اظهار تأسف کرد که در خاتمه کارش در گروه بررسی عراق «ابهامات رفع نشده‌ای درباره آنچه در عراق روی داد، وجود دارد و بخش زیادی از آن به ناتوانی در

برای حفظ اسرار از طریق ترور و ترس و در نظر داشتن سیاست فریب و انکار در برنامه ریزیهای مربوط به تولید سلاحهای ممنوعه مسئولان عراقی از ابتدا روشهای ویژه ای را اتخاذ کردند و جهت رعایت اصول مخفی کاری واحدهای مربوطه رادر سراسر کشور و در بین بخشهای مختلف اقتصادی پراکندند.

○ رژیم با هدف جلوگیری از مطلع شدن جامعه جهانی از گستردگی برنامه های تسلیحاتی غیر متعارف، قبل از اشغال عراق اقدام به پراکندن ونابودی بقایا واسناد مربوط به از بین بردن بخشی از سلاحهای ممنوعه در اواسط دهه ۱۹۹۰ کرد.

○ برخی مسئولان و دانشمندان عراقی که قبل یا بعد از درگیریها از عراق خارج شدند، ممکن است بخشهایی از مواد یا اسناد مربوط به سلاحهای ممنوعه را با خود برده باشند.

○ محتمل است که هرگونه سلاح ممنوعه یا مواد مربوطه موجود در مقایسه با سلاحهای متعارف آنقدر کوچک باشد که یافتن آن به طرق عادی مشکل یا تقریباً غیر ممکن باشد.^(۳۱)

○ به گفته کی در جلسه ۲۸ ژانویه کنگره، بعد از موفقیتهایی آنسکام در برچیدن و نابودی تأسیسات بزرگ و مواد پرحجم در عراق مانند راکتور اتمی و خارج کردن

برقراری امنیت درعراق بلافاصله بعد از ۹ آوریل ۲۰۰۳ (روز سقوط بغداد) برمی گردد.» وی در همین جلسه کنگره از علل کندی پیشرفت در تحقیقات نیز سخن گفت و از جمله اظهار عقیده کرد که «به خاطر غارت و تخریب بی سابقه ای که بسیاری از آن مستقیماً و تعمداً توسط سرویسهای امنیتی با هدف کور کردن سرنخهای برنامه تسلیحات ممنوعه و دیگر برنامه های عراق انجام شد... ما قادر به اینکه دقیقاً نتیجه گیریهای مثبت یا منفی را ثابت کنیم نخواهیم بود و همواره ابهامات باقی خواهند ماند.»

دلایل دیگری که از سوی دیویدکی درارتباط با دشواری کشف تمامی حقیقت در ارتباط با برنامه های تسلیحاتی کشتار جمعی رژیم صدام حسین مطرح شده، به شرح زیر قابل تلخیص است:

○ نگرانی مقامات و دانشمندان عراقی درگیر در برنامه تولید سلاحهای ممنوعه از دستگیری و محاکمه به عنوان جنایتکار جنگی دلیل دیگر ادامه برخی ابهامات است. به گفته دیوید می توان احتمال داد که بسیاری از کسانی که دستگیر شده اند، به همین دلیل حاضر به همکاری نیستند و مهم تر از آن بسیاری از همین افراد در روزهای بعد از سقوط صدام در نابودی اسناد و مدارک مربوطه نقش داشتند.

○ با توجه به ماهیت رژیم و تلاش آن

مقادیر زیادی از مواد خطرناک از آن کشور، «عراقیها استراتژی خود را تغییر دادند و در زمینه‌هایی فعال شدند که ما [آنسکام] توانایی زیادی برای کشف آن نداشتیم. این روش به آنها اجازه می‌داد تا برنامه‌ها را در اسرع وقت بعد از خلاص شدن از شر آنسکام از سرگیرند. نگرانی ما همیشه در مورد آنچه بود که آنها قادر به حفظ و پنهان کردنش بودند، چرا که اینها اکنون می‌توانست کوچک‌تر و در نتیجه آسان‌تر برای مخفی کردن در یک رژیم تروریستی باشند.»

دارد، این برنامه‌ها در اواخر دهه ۱۹۹۰ همچون برنامه‌ها در دهه ۱۹۸۰ کمکهای خارجی بسیاری دریافت می‌کردند. کسب اطلاع در این مورد لازم است چرا که باید بدانیم این شرکتها و اشخاص یا کشورها به چه کشورهای دیگری ممکن است در حال کمک رساندن باشند. به علاوه، باید به طور قطع بدانیم دانشمندان عراقی کجا هستند و چه می‌کنند، چه بر سر فن‌آوریها آمد... در واقع سؤالیهای بدون جواب بسیاری وجود دارد که باید پیگیری شود.»^(۲۳)

۲- نتایج تحقیقات آمریکا در مورد تسلیحات ممنوعه در عراق

از گزارشهای «گروه تحقیق عراق» دو نتیجه عمده می‌توان به دست آورد. نخست اینکه رژیم بازرسی تسلیحاتی که از سوی شورای امنیت سازمان ملل با دقت ایجاد و با پشتکار و قاطعیت پی گرفته شد، نتایج مورد نظر را به دست داد. به این شکل که موجودی سلاحهای کشتار جمعی عراق و مواد پیش‌نیاز برای ساخت سلاحهای شیمیایی و میکروبی و هسته‌ای در اوایل دهه ۱۹۹۰ از بین رفت و عراق امکان تولید سلاحهای جدید را نیافت. و دوم اینکه رژیم عراق تصمیم گرفت تا مادام که تحریمها برقرار است، تلاش خود را متوجه حفظ برنامه‌ها و تواناییهای تولید سلاحهای ممنوعه جهت فعال کردن آنها در دوره بعد از لغو تحریمها نماید.

دیوید کی در همان نشست ضمن اشاره به مواردی از حملات نظامی علیه «گروه بررسی عراق» و انواع تهدیدها گفت: محیط عراق با توجه به تهدیدات علیه عراقیهایی که مورد تماس قرار می‌گیرند و خطرات نظامی علیه اعضای گروه و مقرهای آن برای تکمیل تحقیقات مناسب نیست.^(۲۴) دیوید کی در مصاحبه با تلویزیون ای بی سی در مورد کارهایی که در عراق باقی است و جانشین او باید انجام دهد گفت: «هنوز چیزهای زیادی برای یافتن وجود دارد. اول اینکه باید مشخص شود که نتیجه‌گیریهای من تاکنون درست بوده است. به علاوه نیاز به کسب اطلاع راجع به اینکه چه کشورها و شرکتها و افرادی به برنامه‌های عراق کمک رساندند وجود

۱-۲- نبود ذخایر سلاحهای کشتار جمعی در عراق

دیویدکی سخنان خود در کمیته نیروهای مسلح سنا در ۲۸ ژانویه را با این جمله شروع کرد که «ما تقریباً همه در اشتباه بودیم و من قطعاً خودم را در همین زمره می دانم... اعتقاد من هم این بود که با توجه به شواهد و مدارکی که دیده بودم، عراق در واقع سلاح کشتار انبوه داشت.» وی در همین جلسه در پاسخ به اصرار سناتور وارنر مبنی بر اینکه چون تحقیقات ادامه دارد، آیا ممکن است گفتن اینکه «ما همه در اشتباه بودیم» زود هنگام باشد، گفت: «در تئوری درست است... اما معتقدم که تلاشهایی که ما را به این مرحله رسانده به اندازه کافی فشرده بوده که بشود گفت بسیار غیر محتمل است که موجودی بزرگی از سلاحهای شیمیایی و میکروبی در آنجا وجود داشته باشد.» وی افزود: «احتمالاً ۸۵ درصد از اجزاء عمده برنامه های تسلیحات غیر متعارف عراق معلوم است و ۱۵ درصد بقیه به ویژه در ارتباط با دیگر کشورها و افرادی است که به این برنامه ها کمک کردند و همچنان تهدیدکننده هستند، مگر اینکه ما کاملاً دریابیم که آنها که بودند و چه کمکهایی کردند.»^(۲۴)

دیویدکی در همین جلسه در پاسخ به سؤال یکی از سناتورها مبنی بر اینکه آیا ذخیره کوچکی از سلاحهای کشتار جمعی نیز در

عراق کشف نشده است، پاسخ منفی داد. وی گفت: «ما هیچ ذخیره کوچک یا شواهدی دال بر وجود چنین ذخایری کشف نکرده ایم.» وی در مورد یافته شدن دو تریلی نیز که برخی از مقامات عالی رتبه آمریکا به استناد اطلاعات دریافتی از سازمان سیا قبل از جنگ از آنها به عنوان تریلیهای حامل آزمایشگاههای سیار تولید سلاحهای میکروبی یاد کرده بود، گفت: «فکر می کنم که اجماع نظر وجود دارد که ... قصد واقعی استفاده از آنها برای تولید سلاحهای میکروبی نبوده است.»

در همان نشست ۲۸ ژانویه سناتور سوزان کالینز از دیویدکی پرسید: با توجه به اظهارات شما در مورد فریب صدام توسط مقامات و دانشمندانش آیا می توان احتمال داد که صدام شخصاً تصور می کرده که دارای ذخیره سلاح ممنوعه بوده است. کی در پاسخ گفت: «پاسخ دادن به این سؤال بسیار مشکل است. ما از یک طرف سؤال او و پسرانش را داریم در مورد اینکه تولید این سلاحهای چقدر طول خواهد کشید که می تواند به معنی اطلاع آنها از عدم وجود این سلاحها باشد. از طرف دیگر مقامات عراقی در بازجوییها گفته اند که در مواقعی صدام به برخی ذخایر مخفی اشاره می کرده، شاید مقادیر کوچکی موجود بوده باشد. هر چند که اینها تأیید نشده اند. شک من این است که صدام احتمالاً تصوری کرده که شروع دوباره برنامه ها سریع تر و آسان تر از آن است که دانشمندانش

واقعاً می دانسته‌اند. من فکر می‌کنم که او می‌دانسته یا به او گفته شده بوده که همه را نابود کرده‌اند اما سریعاً می‌توانند تولید را از سر بگیرند و در مورد سرعت کار دروغ گفته بودند.^(۲۵) وی در مصاحبه با نیویورک تایمز تصریح کرد که بر مبنای مصاحبه‌های تیم اش با دانشمندان عراقی، مرور اسناد و بازدید از تأسیسات و دیگر موارد، «دولت آمریکا نیز تقریباً به طور قطع در مورد اعتقاداتش مبنی بر وجود موجودی قابل توجهی از سلاحهای غیرمتعارف در عراق اشتباه می‌کرده است.» وی در این مصاحبه افزود: «من شخصاً متقاعد شده‌ام که موجودی بزرگی از سلاحهای جدیداً تولید شده کشتار انبوه در عراق وجود نداشته است. ما افراد، اسناد یا تأسیساتی را که در صورت در جریان بودن تولید باید یافته می‌شدند، نمی‌یابیم. فکر می‌کنم که آنها به تدریج موجودیهایشان را در طول دهه ۱۹۹۰ کاهش دادند و در یک زمانی در اواسط آن دهه ذخایر بزرگ سلاحهای شیمیایی را نابود کردند.» کی افزود در حالی که ممکن است که عراق به تولید «مقادیر آزمایشی» سلاحهای شیمیایی ادامه داده و روی روشهای تولید پیشرفته‌تر کار کرده باشد، شواهدی قوی حاکی از «عدم تولید مقادیر زیادی سلاحهای شیمیایی در دهه ۱۹۹۰ وجود دارد.»^(۲۶)

۲-۲- موفقیت رژیم بازرسی تسلیحاتی علیه

عراق

اذعان دیوید کی به اینکه سلاح کشتار جمعی در عراق وجود نداشته و اگر چه رژیم صدام در تلاش برای حفظ تواناییهای مربوطه بوده، اما پیشرفت عملی در چنین جهتی میسر نبوده، در عین حال اذعان به موفقیت رژیم بازرسی تسلیحاتی سازمان ملل در عراق نیز هست؛ ضمن اینکه دیوید کی در گزارشهای خود به دفعات از نقش عمده بازرسان سازمان ملل در خلع

بزرگ سلاحهای شیمیایی را نابود کردند.» کی افزود در حالی که ممکن است که عراق به تولید «مقادیر آزمایشی» سلاحهای شیمیایی ادامه داده و روی روشهای تولید پیشرفته‌تر کار کرده باشد، شواهدی قوی حاکی از «عدم تولید مقادیر زیادی سلاحهای شیمیایی در دهه ۱۹۹۰ وجود دارد.»^(۲۶) دیوید کی در مصاحبه اش با تلویزیون ای بی سی توضیح بیشتری به این شرح داد: «فکر

سلاح و رکود برنامه‌های ساخت تسلیحات غیرمتعارف در عراق و نیز نقش تحریمهای سازمان ملل در جلوگیری از پیشرفت عمده‌ای از سوی عراق در جهت احیای این برنامه‌ها سخن گفته است.

با توجه به تخطئه سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی توسط تندروها و خصوصاً نو محافظه‌کاران در واشنگتن و تحقیر بازرسان سازمان ملل توسط آنها، اعتباری که دیوید کی برای نقش مؤثر و مفید رژیم بازرسیها در عراق قائل شد نیز حائز اهمیت است. به گفته کی در مصاحبه با نیویورک تایمز «عراق عمدتاً به خاطر نگرانی از روند بازرسیهای سازمان ملل تولید سلاحهای ممنوعه را رها کرد و ذخایر موجود را در دهه ۱۹۹۰ از بین برد.» وی افزود: «اظهارات دانشمندان عراقی و اسناد موجود گویای آن است که بغداد بسیار بیشتر از آنچه که واشنگتن تصور می‌کرد، از بازرسیهای سازمان ملل واهمه داشت. عراقیها می‌گویند که اعتقاد داشتند که آنسکام مؤثر عمل می‌کند و آنها نمی‌خواستند مچشان گرفته شود.»^(۲۸) وی در گزارش ۲۸ ژانویه به کنگره نیز تأیید کرد که روند بازرسی سازمان ملل «دستاوردها بزرگی داشت... فکر می‌کنم که آنسکام به خاطر خلع سلاح و نابود کردن سلاحهایی در عراق شایسته تقدیر است... برنامه‌های تولید سلاحهای کشتار جمعی که توسط ما [آنسکام] نابود شد، بیشتر از میزان برنامه‌های نابود شده توسط

بمبارانها بود.» در ضمن، این بخش از اظهارات دیوید کی از آنجا که در تضاد آشکار با سیاستهای دولت محافظه‌کار بوش علیه نهادهای بین‌المللی و چند جانبه‌گرایی و نیز تحقیر سازمان ملل و بازرسان تسلیحاتی آن توسط مقامات دولت آمریکا قرار دارد، قابل توجه است.

۲-۳- تلاش رژیم صدام برای حفظ برنامه‌های تولید سلاحهای ممنوعه

دیوید کی بخش عمده‌دو گزارش خود به کنگره، خصوصاً گزارش اکتبر ۲۰۰۳ و نیز بخشهایی از مصاحبه‌های خود را به شرح مدارک و شواهدی که حاکی از قصد صدام حسین برای حفظ گزینه سلاحهای کشتار جمعی و تداوم برنامه‌های مربوطه بود، اختصاص داد. وی بر آن است که در مجموع یافته‌های «گروه بررسی عراق» نشان دهد که رژیم سابق عراق بعد از مقطع سال ۱۹۹۵ و نابودی بخش عمده سلاحهای ممنوعه‌اش، سعی خود را بر حفظ توانایی تولید سلاح کشتار جمعی (شامل کارشناسان، فن‌آوری و تأسیسات) و برنامه‌های مربوطه متمرکز کرد، هر چند که بر خلاف ادعای مقامات آمریکایی در آستانه حمله به عراق، این برنامه‌ها به دلیل تحریمها و محدودیتهای مالی و تدارکاتی ناشی از آن نمی‌توانست گسترده، پیشرفته و در نتیجه تهدیدآمیز باشد.

به علاوه، با توجه به اینکه بخش اعظم سلاحهای شیمیایی و میکروبی در دراز مدت

قابل نگه‌داری نیستند، حفظ ذخایر عمده‌ای از این نوع سلاحها از دوره قبل از جنگ کویت نه عملی بوده و نه ضروری. ظاهراً مقامات عراقی بر آن بوده‌اند که با حفظ تواناییهای لازم از نظر کارشناسی و فن‌آوری و در صورت امکان حفظ خط تولید و امکانات تدارکاتی، در شرایط لازم و مناسب در آینده خصوصاً بعد از لغو تحریمها، سریعاً قادر به تولید انبوه این سلاحها خواهند بود. شواهدی که بعد از جنگ به دست آمد مؤید آن است که رژیم عراق چنین راه‌حلی را برگزیده بود.

دیوید کی در ۲۸ ژانویه به کمیته نیروهای مسلح سنا گفت: «... عراقیها فکر می‌کردند که به زودی از شر بازرسان راحت خواهند شد و خواهند توانست برنامه‌ها را از سرگیرند. از این رو دانشمندان و فن‌آوری مربوطه را حفظ کردند، اما به این نتیجه رسیدند که دلیلی ندارد موجودی سلاحهای ممنوعه را که در برابر بازرسیها آسیب‌پذیر بود، حفظ کنند؛ خاصه آنکه ابزار پرتاب این سلاحها به سوی هدف را نیز از دست داده بودند.»

وی در گزارش اول خود به نشستی از چند کمیته کنگره در اکتبر ۲۰۰۳ در مورد یافته‌های گروه تحقیق عراق گفت: «طی سه ماه دهها نوع فعالیت در چارچوب برنامه‌های مربوط به ساخت سلاحهای ممنوعه و مقادیر معتنا بهی تجهیزات که عراق طی بازرسیهای سال ۲۰۰۲ از سازمان ملل مخفی کرده بود، یافتیم. این

یافته‌ها یا از طریق اعترافات دانشمندان و مقامات عراقی در مورد اطلاعاتی که آنها عمداً مخفی نگه داشتند به دست آمد یا از طریق شواهد فیزیکی اعم از تجهیزات و برنامه‌هایی که باید به سازمان ملل اعلام می‌شدند.»

دیوید کی در همین گزارش برخی از شواهد و مدارک مربوطه را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

○ شبکه مخفی آزمایشگاهها و خانه‌های امن در سرویسهای اطلاعاتی عراق که حاوی تجهیزاتی برای انجام تحقیقات در ارتباط با سلاحهای میکروبی بودند که باید به سازمان ملل اعلام می‌شدند؛

○ کشف یک مجتمع آزمایشگاهی در یک زندان که مأموریت آن احتمالاً آزمایش مواد بر روی انسانها بوده و مشخصاً به مقامات مربوطه دستور عدم اعلام آن به سازمان ملل داده شده بود؛

○ وجود نمونه‌هایی از موجودات میکروسکوپی^(۲۹) در خانه یک دانشمند که هر یک از آنها می‌توانستند برای تولید یک نوع سلاح میکروبی مورد استفاده قرار گیرند؛

○ انجام تحقیقات تازه در مورد نوعی از عوامل قابل استفاده در تولید سلاح میکروبی^(۳۰) و ادامه کار در مورد سم رایسین و آلفاتوکسین که به سازمان ملل اعلام نشده بودند؛

سیستماتیک اسناد و کامپیوترها در شمار کثیری از ادارات، آزمایشگاهها و شرکتهایی که مشکوک به دست داشتن در برنامه های مربوط به تولید سلاحهای کشتار جمعی بودند، نیز مواجه شده و چگونگی این تلاشها برای پاک کردن شواهد و مدارک حاکی از تلاش عامدانه و منظم برای گم کردن سرنخها بوده است. در گزارش دیوید کی نمونه هایی از چنین تلاشهایی برای انهدام مدارک و اسناد ذکر شده اند.^(۳۳)

توضیحات تفصیلی دیوید کی در مورد تلاش صدام حسین برای حفظ برنامه ها و تواناییهای عراق در زمینه انواع سلاحهای کشتار جمعی و ابزار حمل این سلاحهای به به شرح زیر خلاصه شده است:

الف- سلاحهای میکروبی

در ارتباط با برنامه های تسلیحات میکروبی در عراق، دیوید کی در گزارش اکتبر خود از کسب اطلاعات مهمی درباره برنامه های تحقیق و توسعه راجع به موجودات میکروسکوپی قابل استفاده در تولید سلاحهای میکروبی، دخالت سرویسهای اطلاعاتی عراق در فعالیتهای میکروبی و تلاشهای عامدانه برای مخفی کاری این فعالیتها سخن گفت. وی گفت همه این موارد حاکی از آن است که عراق بعد از سال ۱۹۹۶ برنامه هایش را بیش از پیش در بخشهای مختلف پراکنده کرد و بر روی فراهم کردن امکانات کوچک تر و مخفی تری متمرکز شد، به نحوی که سریعاً قابل فعال شدن و تولید عوامل

وجود اسناد و تجهیزاتی که در خانه های دانشمندان عراقی مخفی شده بودند و می توانستند برای از سرگیری غنی سازی اورانیوم با استفاده از سانتریفوژ و جداسازی ایزوتوپ از طریق الکترومگنتیک^(۳۴) کاربرد داشته باشند؛

○ ادامه کار خط تولید هواپیماهای بدون سرنشین در یک تأسیسات که به طور کامل به سازمان ملل اعلام نشده و اقرار به اینکه یکی از این هواپیماها با برد ۵۰۰ کیلومتر (یعنی ۳۵۰ بیش از برد مجاز) مورد آزمایش قرار گرفته بود؛

○ حفظ توانایی ساخت سوخت پروپلانت^(۳۵) که تنها برای موشکهای نوع اسکاد قابل استفاده است؛ توانایی که حداقل تا سال ۲۰۰۱ حفظ شد و به دانشمندان عراقی گفته شد که باید از بازرسان سازمان ملل مخفی نگه داشته شود؛

○ برنامه وطراحی پیشرفته برای موشکهای دور برد با برد حداقل ۱۰۰۰ کیلومتر؛

○ ادامه تلاشهای محرمانه بین سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ برای دستیابی به تکنولوژی موشکهای بالستیک با برد ۱۳۰۰ کیلومتر (احتمالاً نو دانگ)، موشکهای کروز ضد کشتی با برد ۳۰۰ کیلومتر و برخی دیگر از تجهیزات نظامی ممنوعه.

دیوید کی همچنین تصریح کرد که علاوه بر کشف برنامه های مخفی، با پاکسازی

میکروبی باشند. (در این مورد مثالهایی نیز در گزارش ذکر

شده است.) به گفته کی تخلیه اطلاعاتی مأموران

اطلاعاتی عراق و بازدید از محلها به تدریج شبکه‌ای مخفی از آزمایشگاهها و تأسیسات در داخل دستگاههای اطلاعاتی را برملا کرد؛ شبکه‌ای که هرگز به بازرسان سازمان ملل اعلام نشده بود. این شبکه با فعالیت در زمینه حفظ توانایی و ادامه تحقیق و توسعه در زمینه سلاحهای میکروبی مربوط بود. براساس این گزارش «این توانیهای مخفی برای حفظ تخصص در زمینه سلاحهای میکروبی، حفظ تأسیسات لازم و تداوم تحقیق و توسعه برای این منظور، یعنی همه عناصر کلیدی برای حفظ توانایی لازم جهت از سرگیری تولید این نوع سلاحها مناسب بود.» سازمانهای اطلاعاتی همچنین نقشی کلیدی در اعزام دانشجویان به خارج برای تحصیلات فوق لیسانس و دکترا در رشته زیست‌شناسی داشتند و ظاهراً این تنها رشته تحصیلی بود که سازمانهای اطلاعاتی عراق در آن فعال بودند.

بر اساس گزارش دیوید کی اطلاعاتی نیز در مورد آزمایش عوامل میکروبی بر روی انسانها بر مبنای گزارشهای موجود از سال ۱۹۹۶ به این سو در حال بررسی و تکمیل است. اما پیشرفت در این زمینه به خاطر نگرانی عوامل درگیر در آن از تحت تعقیب جزایی قرار گرفتن به اتهام جنایت علیه بشریت کند است.

ب- سلاحهای شیمیایی

در گزارش دیوید کی به کنگره در اکتبر ضمن رد وجود ذخایر سلاح شیمیایی یا برنامه‌های فعال برای تولید این گونه سلاحها، تصریح شده که با این حال رژیم عراق در صدد حفظ توانیهایش در این رشته بوده است. به گفته کی منابع متعددی که به درجات

به گفته کی صحبت با دانشمندان عراق همچنین روشن کرد که به موازات کار بر روی عوامل بیماری‌زا، کارهای تحقیقاتی پوششی نیز بر روی عوامل بی‌خطر در جریان بوده است. برخی دانشمندان عراقی که در آزمایشگاههای فعال در رشته‌های بی‌خطر و عادی مشغول بوده‌اند، می‌توانسته‌اند سریعاً رشته کاری خود را تغییر داده و بر روی عوامل بیماری‌زا متمرکز

مختلف قابل اطمینان هستند، به «گروه بررسی عراق» گفته‌اند که عراق بعد از ۱۹۹۱ برنامه گسترده، متمرکز و فعالی برای تولید سلاحهای شیمیایی نداشته و تنها تحقیقات محدودی در این مورد در عراق در جریان بوده است. به عنوان مثال تأسیسات فلوجه ۲ که محل اصلی تولید سلاحهای شیمیایی بوده در وضعیت ویرانه‌ای قرار داشت و بعد از جنگ کویت فعال نبوده است. اطلاعات دریافتی گروه همچنین حکایت از آن دارد که توانایی عراق برای توسعه و تولید و پرکردن مهمات جدید با عوامل شیمیایی در سطح وسیع اگر تماماً از بین نرفت، حداقل در جریان عملیات طوفان صحرا، روباه صحرا و بازرسیهای سازمان ملل رو به کاهش نهاد. کی همچنین تأکید کرد که اطلاعاتی که موید گزارشهای منتشره قبل از جنگ در مورد امکان حمله شیمیایی عراق به نیروهای آمریکایی باشد، به دست نیآورده است.

با این حال دیوید کی تأکید کرد که «گروه بررسی عراق» در جستجوی سلاحهای شیمیایی به شواهد و مدارکی دست یافت که حاکی از بررسی امکان تولید سلاحهای شیمیایی در سالهای اخیر و احیاناً حتی در سال ۲۰۰۳ بود. سؤال صدام از یک مقام عالی رتبه نظامی در مورد طول زمان لازم برای تولید سلاح شیمیایی در ۲۰۰۱ یا ۲۰۰۲ از مواردی است که در این رابطه در گزارش مورد اشاره قرار گرفته است. این مقام نظامی بعد از مشورت با متخصصان مربوطه به صدام حسین جواب داده بود که برای تولید گاز خردل به ۶ ماه وقت نیاز خواهد بود. به گفته دیوید کی یک کارشناس شیمیایی دیگر در پاسخ به سؤال مشابهی از سوی عدی، پسر صدام، در اواسط سال ۲۰۰۲ گفته است که به ۲ ماه برای تولید گاز خردل و ۲ سال برای تولید سم سارین نیاز خواهد بود.

به گفته کی همچنین اطلاعات دریافتی بعد از حمله به عراق به مشخص شدن برخی حوزه‌های اصلی انجامیده و ممکن است عراق در این حوزه‌ها به فعالیتهای ممنوعه یا اعلام نشده، مانند تحقیق در مورد تثبیت‌کننده‌های گاز اعصاب، مهمات قابل استفاده برای شلیک سلاحهای شیمیایی و تهیه و مخفی کردن مواد دو منظوره قابل استفاده در ساخت سلاحهای شیمیایی مشغول بوده است.

با این حال، به نظر می‌رسد که مقامات عراقی اعتقاد داشتند که می‌توانند تأسیسات دارویی موجود را سریعاً برای تولید سلاحهای شیمیایی تغییر کاربری دهند و صدام به حفظ چنین تواناییهایی علاقه‌مند بوده است.

کی در گزارش خود در ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴ نیز در پاسخ به سؤالی از وجود برنامه‌ای در عراق برای تولید جایگزینی برای یک ماده اصلی پیش نیاز برای تولید گاز اعصاب با استفاده از تواناییهای تولیدی داخلی و مواد شیمیایی بومی که می‌توانست عراقیها را از واردات آن بی‌نیاز کند، سخن گفت.

ج- برنامه های هسته ای

بوده، چند ابتکار تحقیقاتی کوچک و نسبتاً ساده را که می توانست در زمینه تولید سلاح هسته ای کاربرد داشته باشد، آغاز کرد. هر چند این تحقیقات نمی توانست به خودی خود به معنی از سرگیری برنامه های هسته ای تسلیحاتی باشد، اما می توانست شرایط مناسب را برای این منظور ایجاد کند. به گفته کی در اکتبر ۲۰۰۳ هنوز روشن نیست که ابراهیم سعید به دستور مقامات مافوق این تحقیقات را آغاز کرده بود یا نه (وی در ۸ آوریل در حالی که قصد عبور از یک پست بازرسی جاده ای متعلق ائتلاف را داشت، کشته شد)

دیوید کی گامهایی را که عراق برای حفظ برخی تواناییها در زمینه فن آوری هسته ای از دوره قبل از ۱۹۹۱ برداشته بود، به شرح زیر دانسته است:

○ براساس اسناد موجود و اظهارات دانشمندان عراقی برخی از گروههای فنی اصلی که در برنامه های هسته ای عراق در دوره قبل از ۱۹۹۱ فعال بودند، عمدتاً دست نخورده باقی ماندند و در چارچوب کمیسیون صنایع نظامی به انجام کارهای مرتبط با تکنولوژیهای دو منظوره هسته ای ادامه دادند. برخی از این دانشمندان به «گروه بررسی عراق» گفته اند که فکر می کنند که این گروهها به منظور حفظ امکانات لازم برای احیای دوباره برنامه های تسلیحاتی اتمی حفظ شده بودند، اما هیچ

به گزارش دیوید کی در اکتبر ۲۰۰۳، علی رغم تداوم جاه طلبیهای صدام در زمینه دستیابی به سلاح هسته ای، هنوز نشانه ای حاکی از برداشته شدن گامهای مهمی برای احیای برنامه تولید سلاح هسته ای یا مواد مربوطه بعد از ۱۹۹۸ به دست نیامده است.

مطابق این گزارش، اظهارات دانشمندان و مقامات عراقی به وضوح روشن کرده است که صدام همواره قویاً مصمم به دستیابی به سلاح هسته ای بود و در زمانی مناسب در آینده اقدام به از سرگیری برنامه هسته ای می کرد. برخی از این منابع صحبت از از سرگیری برنامه های هسته ای در دوره بعد از لغو تحریمها می کنند. به گفته دیوید کی حداقل یکی از مقامات عالی رتبه عراقی بر آن است که شکیبایی صدام برای خاتمه تحریمها در سال ۲۰۰۰ به آخر رسید و خواست برنامه های هسته ای را از سر گیرد. کمیسیون انرژی اتمی عراق از سال ۱۹۹۹ شروع به توسعه آزمایشگاهها و فعالیتهای تحقیقاتی و افزایش بودجه خود کرد. کی بر آن است که این تحرکات می تواند به معنی انجام تدارکات مقدماتی برای احیای تحقیقات مربوط به تولید سلاح هسته ای بوده باشد، اگر چه اسناد مرتبط با این فعالیتهای یافته نشده و تحقیقات ادامه دارد. مطابق گزارش کی، در حوالی سال ۲۰۰۰ دکتر خالد ابراهیم سعید که از مقامات عالی رتبه کمیسیون انرژی اتمی عراق و حزب بعث

وی پرسید که آیا به اعتقاد او عراق برنامه هسته‌ای‌اش را بازسازی کرده بود. کی در پاسخ گفت: «برنامه‌های اتمی عراق در مراحل اولیه نوسازی و ساختن ساختمانهای جدید بود». وی در پاسخ به سوالی توسط سناتور آلود (۳۴) در مورد شروع مجدد برنامه‌های اتمی صدام در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۰ گفت: «تا آنجا که می‌توان مشخص کرد (ضمن اینکه تحقیقات همچنان ادامه دارد) در سال ۲۰۰۰ عراقیها به این نتیجه رسیده بودند که تأسیسات اتمی شان کاملاً از حیض انتفاع ساقط شده است. آنها اقداماتی را برای نوسازی تأسیسات اصلی که التوثه (۳۵) نامیده می‌شود و به طور جدی در وضعیت نامناسبی قرار داشت، شروع کردند که شامل ساختن بناهای جدید و بازسازی بناهای قبلی، استخدام برخی کارکنان جدید و گردآوری آنها می‌شد. برخی تجربیات فیزیکی را نیز در دهه ۱۹۸۰ انجام داده بودند، از سر گرفتند.» (۳۶)

دیوید کی در مصاحبه‌اش با نیویورک تایمز در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴ نیز گفت: «عراق تلاشی را در دو سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۰ برای شروع دوباره برنامه هسته‌ای صورت داد، اما شواهد حاکی از آن است که برنامه در بهترین حالت ابتدایی بود و بعد از اینکه در دهه ۱۹۹۰ به حال خود رها شده بود، برای بازسازی آن سالها وقت لازم بود.» وی افزود: «شروع دوباره برنامه‌های هسته‌ای در عراق در دستور کار رژیم بود، اما آنچه که غافلگیر کننده است این است که در مقایسه با

کدام از آنها نتوانستند دستور یا طرحی رسمی که موید این نظر باشد، ارائه کنند؛

○ در برخی موارد، این گروهها فعالیتهایی داشتند که می‌توانست به حفظ علوم پایه و مهارتهای اصلی برای تولید مواد هسته‌ای یا تولید سلاح هسته‌ای در آینده کمک کند؛

○ تعدادی از دانشمندان با هدایت مقامات عالی رتبه اسناد و تجهیزاتی را از تحقیقات هسته‌ای دوره قبل از ۱۹۹۱ حفظ کردند و از اعلام آن به سازمان ملل و سازمان بین‌المللی انرژی اتمی خودداری نمودند. یک دانشمند عراقی اخیراً در مصاحبه با «گروه بررسی عراق» گفت که «تصور عمومی» در بین دانشمندان این بود که مواد لازم برای احیای برنامه‌های هسته‌ای حفظ شده بود؛

○ تیم هسته‌ای «گروه بررسی عراق» نشانه‌هایی حاکی از علاقه به احیای یک برنامه غنی‌سازی از طریق سانتریفیوژ در سال ۲۰۰۲ یافته است. بخش عمده این فعالیتها توسط تیم دکتر سعید انجام می‌شد که موجب شد تا برخی از همکاران قدیمی او این فعالیتها را شروع مجدد برنامه سانتریفیوژ تلقی نمایند. ما هنوز به خوبی قصد عراقیها را متوجه نشده‌ایم و شواهدی حاکی از فعالیتی در زمینه تحقیق و توسعه سانتریفیوژ در دست نیست.

سناتور لوین در جریان نشست کمیته نیروهای مسلح سنا با دیوید کی در ۲۸ ژانویه از

تکمیل کار را ۶ سال برآورد کرده بود. صدام در مقابل در سال ۲۰۰۰ گفته بود که مایل است ساخت موشک ظرف ۶ ماه انجام شود. منابع دیگری نیز گفته‌اند که برد مورد نظر صدام برای موشکها نیز از ۴۰۰-۵۰۰ کیلومتر در سال ۲۰۰۰ به ۶۰۰-۱۰۰۰ کیلومتر در سال ۲۰۰۲ افزایش یافت.

کار بر روی موشکهای زمین به هوایی SA۲ با هدف تبدیل آنها به موشکهای بالستیک با برد حدود ۲۵۰ کیلومتر نیز ظاهراً در اوایل سال ۲۰۰۳ و علی‌رغم حضور بازرسان در عراق جریان داشت و به آنها گزارش نشد. همچنین گفته شده که این برنامه در سال ۲۰۰۱ آغاز شده بود و اسنادی در ارتباط با چگونگی این تغییر کاربری در اختیار «گروه بررسی عراق» قرار گرفته است.

اطلاعات دریافتی از دستگیرشدگان و سایر منابع حاکی از این است که طراحی موشکهای با سوخت مایع زمانی شروع شد که طراحی موشکهای با سوخت جامد و برد بیش از حد مجاز قبل از آن آغاز شده یا در جریان بود. قطر موتور قرار بود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیمتر یعنی بسیار بیشتر از ۵۰۰ میلیمتر مربوط به موشکهای ابابیل ۱۰۰ باشد. برد مد نظر برای این نوع موشکها بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر، بسته به مقدار مواد منفجره به کار رفته، گفته شده است.

به گفته دیوید کی، یکی از منابعی که در بررسیهای سال ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در طرح سوخت

آنچه که ما اکنون در مورد برنامه‌های اتمی ایران و لیبی می‌دانیم، برنامه عراق هرگز تا آن حد پیشرفته نبود.»^(۳۷)

د- سیستمهای حمل^(۳۸)

مطابق گزارش دیوید کی، یافته‌های «گروه بررسی عراق» حاکی از تصمیم جدی رژیم عراق به بهبود سیستمهای حمل است، به نحوی که در صورت عدم حمله آمریکا به عراق محدودیتهای اعمال شده از سوی سازمان ملل به نحو گسترده‌ای نقض می‌شد.

ه- موشک

گزارش دیوید کی حاکی از آن است که عراق بیش از همه در زمینه ادامه برنامه‌های موشکی ممنوعه فعال بوده است. مقامات دستگیر شده عراقی و منابع دیگر خبر از صدور دستوری از سوی صدام در سال ۲۰۰۰ برای توسعه موشکهای بالستیک با برد ۴۰۰ و ۱۰۰۰ کیلومتر و دستوری دیگر در سال ۲۰۰۲ برای اتخاذ تدابیری جهت مخفی کردن این برنامه‌ها از چشم بازرسان داده‌اند. کارهای لازم برای تولید سوخت مایع مناسب^(۳۹) نیز در جریان بوده و کار تا حد تولید نمونه‌های اولیه نیز پیش رفته بود. یک مقام عالی رتبه دستگیر شده گفته است که صدام به این نتیجه رسیده بود که عملی کردن پیشنهادهای ارسالی از دو مرکز طرحهای موشکی با سوخت مایع پروپلنت و سوخت جامد پروپلنت هر دو بسیار وقت گیر است. به عنوان مثال مرکز سوخت مایع زمان لازم برای

جامد دخالت داشته، طرحهای مربوط به ساخت سکوهایی را که می‌توانند موشک‌هایی با قطر یک متر و طول ۹ متر را پرتاب کنند، در اختیار «گروه بررسی عراق» قرار داد. منبع یاد شده معتقد است که چنانچه کار بر روی موشکها در مراحل پیشرفته‌ای قرار نمی‌داشت، قاعدتاً طراحی سکوی پرتاب خواسته نمی‌شد.

منبع دیگری گفته است که فعالیتهای مشکوکی در جریان بوده که ممکن است هدف آن ساخت موشکی با قطر زیاد و سوخت جامد برای حمل کلاهک شیمیایی بوده باشد. اما هیچ یک از بازداشت شدگان اظهار اطلاعاتی در مورد وجود چنین طرحی نکرده است. دو منبع دیگر نیز گفته‌اند که عراق تا سال ۲۰۰۱ به تولید سوخت مایع و اکسیدایزر مخصوص موشک‌های نوع اسکاد ادامه می‌داده است. منبع دیگری مدعی شده که کارخانه الطارق از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ برای تولید اکسیدایزر برای موشک‌های اسکاد مورد استفاده قرار داشته است. این در حالی است که عراق هرگز توانایی‌هایش در دوره قبل از جنگ جهت تولید مواد لازم برای موشک‌های اسکاد را اعلام نکرده بود. کی ادامه می‌دهد که هنوز این ادعاها ثابت نشده‌اند.

«گروه بررسی عراق» همچنین شواهدی حاکی از وجود دو برنامه تولید موشک‌های کروز در عراق یافته است. برنامه اول به نظر می‌رسد که با موفقیت تکمیل شد، در حالی که برنامه دوم ناتمام باقی ماند. هدف اولین برنامه تکمیل

و روزآمد کردن موشک‌های کروز دفاع ساحلی از نوع اچ وای ۲ بوده است. «گروه بررسی عراق» بر پایه اظهارات برخی مسئولان عراقی و نیز اسنادی که به دست آورده، دریافته است که هدف این برنامه افزایش برد موشک‌های اچ وای ۲ و استفاده از آنها در خشکی بوده است. در نتیجه این کوششها برد موشک‌های اچ وای ۲ از ۱۰۰ کیلومتر اولیه به ۱۵۰ تا ۱۸۰ کیلومتر افزایش یافت. ده موشک از این نوع قبل از حمله آمریکا به عراق تحویل ارتش عراق شدند و دو فروند آنها در جریان جنگ از ام القصر شلیک شدند که یکی سرنگون و دیگری به خاک کویت اصابت کرد.

برنامه دوم که جنین نامیده می‌شد، تلاشی جاه‌طلبانه‌تر برای تبدیل موشک‌های اچ وای ۲ به موشک‌های کروز قابل استفاده در خشکی با برد ۱۰۰۰ کیلومتر بود. طرح این موشک در ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ به صدام داده شد، و به گفته منابع برخلاف معمول سریعاً به تصویب رسید. در اواخر ۲۰۰۲ عراق با هدف اجتناب از کشف این برنامه توسط سازمان ملل، فعالیتهای مربوطه را متوقف کرد و خط تولید را برچید.

علاوه بر تلاش برای توسعه صنایع موشکی در داخل، «گروه بررسی عراق» همچنین به اسنادی دسترسی یافته حاکی از تلاش دولت عراق برای خرید موشکها و تکنولوژی ممنوع موشکی از خارج است. براساس این اسناد، در دسامبر ۱۹۹۹ و اکتبر ۲۰۰۰ مذاکراتی در سطح

استفاده در طرح الفتح (ابابیل ۱۰۰) فعال بودند. قرارداد مربوطه در زمان حمله آمریکا به عراق هنوز ناقص بود و اختلافاتی به خاطر مشکلات فنی در برخی از سیستمهای تحویل شده و نیز اختلاف مالی وجود داشت؛

○ گروهی از کارشناسان خارجی که در ظرفیت شخصیشان کار می کردند، به برنامه های عراق برای تولید سوخت مایع موشکهای بالستیک و ایجاد زیرساختهای لازم یاری می رساندند. آنها در اواخر ۱۹۹۸ برای حدود سه ماه در بغداد کار کردند و بعداً کار بر روی طرح را از خارج ادامه دادند. قرار دادی به ارزش ۱۰ میلیون دلار برای ماشین آلات و تجهیزات در ژوئن ۲۰۰۱ امضا شد که بدو برای یک دوره ۱۸ ماهه بود و بعد تمدید شد و همکاری تا زمان جنگ ادامه یافت؛

○ گروه دیگری از کارشناسان خارجی در سال ۱۹۹۹ با هدف انجام برخی بررسیهای تکنیکی که به تهیه طرح موشکهای سمود ۲ منتهی شد، به عراق سفر کردند. در سال ۲۰۰۱ نیز قرار دادی برای تامین برخی قطعات و مواد مربوطه بین دو طرف امضا شد؛

○ بازداشت شدگان و منابع دیگر نقش یک کارشناس خارجی در مذاکره در مورد توسعه زیرساختهای لازم برای تولید سوخت

بالا بین عراق و کره شمالی در مورد انتقال تکنولوژی موشکهای زمین به زمین با برد ۱۳۰۰ کیلومتر (احتمالاً موشکهای نودانگ) و موشکهای زمین به دریا با برد ۳۰۰ کیلومتر انجام شد. این اسناد همچنین حاکی از توجه مقامات کره به تحریمهای اعمال شده از سوی سازمان ملل است، با این حال آنها گفته بودند که آماده «همکاری با عراق در مورد اقلام مورد نظر» هستند. این مذاکرات تا زمان حمله آمریکا به عراق به انتقال موشک یا تکنولوژی مربوطه نیانجامید. به گفته یک مقام عالی رتبه رژیم سابق صدام در اواخر سال ۲۰۰۲ هیئتی را برای ملاقات با شرکتی خارجی از جمله شرکتی که در کار موشک است اعزام کرد. عراق علاقه مند به خرید موشکهای پیشرفته با برد ۲۷۰ تا ۵۰۰ کیلومتر بود.

گروه بررسی عراق همچنین به شواهد و مدارک زیادی در مورد تلاشهای عراق برای دستیابی غیر قانونی به قطعات و همکاری خارجیها برای پیشبرد برنامه های موشکی اش دست یافته است که شامل موارد زیراند:

○ سطح بالایی از همکاری توسط یک شرکت خارجی و شبکه وابسته به آن شرکت برای تامین اقلام و حمایت از برنامه توسعه تواناییهای تولیدی در زمینه سوخت جامد موشک و مواد شیمیایی دو منظوره؛
○ شرکتی از یک کشور خارجی دیگر در ارائه راهنمایی و کنترل سیستمها برای

جامد و مایع برای موشک را تشریح کرده‌اند. هر چند تصریح شده که تا قبل از حمله آمریکا در عمل کار خاصی در این رابطه انجام نشد.

دیوید کی در گزارشهای خود به کنگره و مصاحبه‌های خود نامی از کشور مشخصی نبرد. وی در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ای بی سی و در پاسخ به سؤال تد کاپل گفت نام کشورها و شرکت‌های که در اواخر دهه ۱۹۹۰ به عراق کمک کردند، هنوز محرمانه است و «فقط می‌توانم بگویم که غرب درگیر این کمکها نبود.»^(۴۰)

با این حال نیویورک تایمز طی گزارشی در مارس ۲۰۰۴ به نقل از مقامات دولتی آمریکا که نخواستند بودند نامشان ذکر شود گزارش داد که «گروهی از مهندسان روسی حتی در سالهای قبل از جنگی که به سرنگونی صدام انجامید، به طور مخفیانه به برنامه‌های او برای ساخت موشک‌های بالستیک یاری می‌رساندند.» در این مقاله تصریح شده بود که اگر چه این مهندسان برای یک شرکت خصوصی، و نه برای دولت روسیه، کار می‌کردند، ولی از آنجا که شماری از این کارشناسان قبلاً در مراکز هوا-فضای روسیه کار کرده و با دولت نزدیک بودند «این سؤال پیش آمده که آیا مقامات دولتی از دخالت آنها در برنامه‌های تسلیحاتی ممنوعه عراق اطلاع داشتند یا خیر.»^(۴۱)

و- هواپیمای بدون سرنشین
به گزارش دیوید کی، رژیم عراق تولید انواعی از هواپیماهای بدون سرنشین در ابن فماس و پایگاه هوایی الرشید را ادامه داد. در ابن فماس کار بر روی نوع کوچک تر و سنتی تری از این هواپیماها به اضافه تلاش برای تبدیل هواپیماهای دارای سرنشین به هواپیماهای بدون سرنشین انجام می‌شد. این برنامه تا سال ۲۰۰۲ به سازمان ملل اعلام نشده بود. در این سال سیستم‌های ار پی وی ۲۰، ار پی وی ۳۰ و پیچن ار پی وی (۴۲) به سازمان ملل اعلام و ادعا شد که برد همه این سیستمها کمتر از ۱۵۰ کیلومتر است. این در حالی است که برخی از مقامات عراقی گفته‌اند که ار پی وی ۲۰ در سال ۲۰۰۲ بردی در حدود ۵۰۰ کیلومتر در حالت خودکار (اتو پایلت) داشته است.

در مقابل، برنامه‌ای که در پایگاه الرشید در دست اجرا بود، هرگز به طور کامل به اطلاع بازرسان سازمان ملل نرسید. منابع گفته‌اند که شناسایی و استفاده به عنوان طعمه decoys از اهداف تولید این هواپیماهای بدون سرنشین در پایگاه مذکور بوده است. با توجه به علاقه عراق به تلاش برای تبدیل میگ ۲۱ به هواپیمای بدون سرنشین در دوره قبل از جنگ با هدف قادر کردن آن به حمل تانکر حامل عوامل میکروبی یا شیمیایی تلاش برای حصول اطمینان در این زمینه در جریان است.

دیوید کی در نشست کنگره در ۲۸ ژانویه نیز در مورد کشفیات گروه‌اش راجع به برنامه عراق برای تولید هواپیماهای بدون سرنشین

بعد از اکتبر ۲۰۰۳ گفت: عراقیهای اذعان کردند که حداقل یکی از انواع این هواپیماها از نوعی است که قادر به حمل تانکر برای پاشیدن مواد بوده است. به عبارت دیگر، ما کار بر روی نوعی از هواپیمای بدون سرنشین را کشف کردیم که قادر به پاشیدن مواد است. ولی اینکه عراقیها چه قصدی داشته و این هواپیماها چه استفاده‌ای در عمل می‌توانسته داشته باشند، هنوز نامعلوم است.

۳- توضیح رفتارهای صدام حسین

سؤال بزرگی که بعد از سقوط رژیم صدام حسین و یافته نشدن سلاحهای کشتار جمعی در عراق مطرح شد، این است که چرا وی بدون آنکه ذخایری از سلاحهای ممنوعه داشته باشد، خود، خانواده و رژیم‌اش را تا این حد در معرض تهدید و نابودی قرار داد. در پاسخ به این سؤال مهم عمدتاً به دلایلی چون «ابهام سازنده» با هدف برخورداری از بازدارندگی در برابر دشمنان داخلی و خارجی، ویژگیهای شخصیتی صدام، ساده لوحی فزاینده او و فساد گسترده و آشفتگی گسترده در جامعه عراق در دوره بعد از ۱۹۹۸ اشاره شده است.

دیوید کی در اظهارات خود به در نشست کمیته نیروهای مسلح سنادر ۲۸ ژانویه در پاسخ به سؤال یکی از سناتورها در مورد رفتار صدام حسین گفت: «ما در این مورد خیلی فکر و تحقیق کرده‌ایم. تصور من این است ما غالباً به

۳-۱- تظاهر به داشتن سلاحهای ممنوعه

علت اینکه صدام در اواسط دهه ۱۹۹۰ حداقل بخش عمده سلاحهای ممنوعه‌اش را نابود کرد اما حاضر به ارائه اسناد مربوطه به بازرسان و اثبات مدعی خود نشد، بسیاری از جمله دیوید کی را به این نتیجه رسانده است یکی از دلایل این امر حفظ هاله‌ای از قدرت در پیرامون رژیم بوده است. همانطور که قبلاً اشاره شد، مقامات رژیم سابق عراق پیوسته بر آن بوده‌اند که سلاحهای شیمیایی دوبار رژیم آنها را در برابر تهدیدات خارجی از خطر نابودی رهانیده است: یک بار از طریق دفع حملات ایران در دهه ۱۹۸۰ و بار دوم از طریق منصرف کردن دولت آمریکا از ورود به خاک عراق بعد از آزاد سازی کویت در سال ۱۹۹۱. این امر و نیز حفظ رژیم در برابر تهدیدات داخلی ظاهراً مهم‌ترین انگیزه

صدام حسین برای اجتناب از رفع ابهام در مورد وجود یا عدم وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق بوده است. این امر ظاهراً برای صدام تا آن درجه از اهمیت برخوردار بود که به خاطر آن تحمل مشکلات عظیمی را پذیرفت و از جمله به ازدست رفتن حدود ۱۰۰ میلیارد درآمدی نفتی به علت تحریمهای ۱۲ سال تن داد.

کی در مصاحبه اش با واشنگتن پست گفت: گروه بررسی عراق «اسناد تازه‌ای» یافته که حاکی از نابودی سلاحهای ممنوعه در اواسط دهه ۱۹۹۰ است؛ موضوعی که به اطلاع بازرسان سازمان ملل رسانده نشده بود. وی افزود که اعتقاد دارد که صدام حسین ممکن است راه «ابهام سازنده»^(۴۵) را در پیش گرفته بوده و قصد داشته تا از طریق بلوف زدن در مورد داشتن سلاحها، ایجاد توهم کرده و به این ترتیب نیرویی بازدارنده فراهم آورد. به گفته او «صدام می‌خواست از مزایای داشتن سلاحهای شیمیایی و میکروبی بهره‌مند شود بدون اینکه بهایی برای آن بپردازد.»^(۴۶)

کی در بخشی از اظهارات خود در جلسه ۲۸ ژانویه در کنگره شواهدی را در ارتباط با اتخاذ آگاهانه چنین سیاستی ارائه داد. وی از جمله گفت: «طی مصاحبه با ژنرالهای گارد ریاست جمهوری و گارد ویژه ریاست جمهوری عراق، پاسخ آنها به سوالها در مورد تواناییهایشان و داشتن سلاحهای کشتار جمعی این بود که

شخصاً از این گونه سلاحها نداشته‌اند اما واحدهای سمت راست یا چپشان داشته‌اند و این امری عادی در ارتباط با نیروهای مستقر در اطراف بغداد بود. این نوعی ابهام تعمدی بود؛ خصوصاً با توجه به اینکه آزادی صحبت و تردد در عراق محدود بود. به عنوان مثال لشکرهای گارد ریاست جمهوری هرگز وارد محدوده‌های شهر بغداد نشدند. تنها گارد ویژه ریاست جمهوری چنین اجازه‌ای داشت و آموزشی نیز در ارتباط با روابط بین لشگرها وجود نداشت.»^(۴۷)

گزارشات خبری در رسانه‌های غربی به نقل از مقامات آمریکایی (بدون ذکر نام) حاکی از آن است که توضیحات ارائه شده توسط طارق عزیز و برخی دیگر از مقامات دستگیر شده عراقی در بازجوییها مؤید این فرض است که صدام تمایل به تظاهر به داشتن سلاحهایی ممنوعه داشته با این هدف که اعتبار خود را نزد ملت‌های عرب حفظ کند. این فرض با آرزوی او برای رهبری جهان عرب نیز هماهنگی دارد. به علاوه، تصور حفظ سلاحهای کشتار جمعی علی‌رغم فشارهای بین‌المللی می‌توانست به حفظ تصویری از صدام به عنوان رهبری که به تنهایی در برابر همه جهان ایستاده و تن به سازش نداده، کمک کند. این تصویری بود که ماشین تبلیغاتی فراگیر رژیم از زمان اشغال کویت و دوره بعد از آن تلاش گسترده‌ای برای ترسیم آن انجام داده بود.

در زیر توضیحات بیشتری در مورد فرضیاتی

داخلی‌اش دریابند که او دیگر به سلاحهای کشتار جمعی مسلح نیست یا توانایی استفاده از آنها را ندارد، ممکن است جرأت بیشتری برای اقدام علیه او بیابند.

دیوید کی در مصاحبه با تلویزیون ای بی سی در این مورد اظهار عقیده کرد که «ما اغلب فراموش می‌کنیم که او آن سلاحها را علیه کردها و شیعیان، یعنی مخالفان داخلی‌اش، به کار برد. من فکر می‌کنم که او به روشنی از اینکه اجازه دهد آنها فکر کنند که او اولاً آن سلاحها را ندارد و ثانیاً تسلیم فشارهای خارجی شده، واهمه داشت وی می‌ترسید که این امر موجب شعله‌ور شدن قیام آنها شود.»

البته با توجه به شرایط عراق و نیاز رژیم به ماجراجویی در خارج با هدف حفظ اقتدار در داخل، صدام قطعاً احساس می‌کرده که دوام این تصور در منطقه مبنی بر حفظ سلاحهای کشتار جمعی توسط رژیم در عین حال به حفظ موقعیت او در داخل کمک می‌کند. این امر به ویژه با توجه به موقعیت صدام در بین نخبگان سنی که پایگاه قدرت او را تشکیل می‌دادند، حائز اهمیت بود. هدف تبدیل عراق به یک قدرت منطقه‌ای به ویژه قرار بود که در حفظ و بسیج این پایگاه داخلی مؤثر واقع شود. ضعف صدام در سیاست خارجی می‌توانست از این جهت به موقعیت او در داخل لطمه بزند. به علاوه، نظر به اینکه موقعیت منطقه‌ای رژیم از نظر نخبگان سنی تا حد زیادی محصول زرادخانه

که جهت توجیه رفتار صدام حسین مطرح گردیده، داده شده است:

۲-۳- حفظ رژیم در برابر تهدیدات داخلی

اگر چه صدام حسین قطعاً ملاحظاتی در ارتباط با دفاع در برابر دشمنان فرضی خارجی نیز داشته، اما به ویژه با توجه به قیام شیعیان در مارس ۱۹۹۱، تهدیدات داخلی باید نگرانی اصلی او در دوره بعد از جنگ کویت بوده باشد. اگر چه مقام و موقعیت در خارج برای صدام مهم بود، اما حفظ امنیت رژیم در داخل در راس تمامی اولویتهای او قرار داشت. تا آنجا که ریشه بسیاری از تصمیمات احمقانه‌ای را که وی در زمینه سیاست خارجی گرفت باید در مسائلی در داخل جستجو کرد که از نظر او تهدیدی علیه رژیم به شمار می‌رفتند. حمله او به کویت و خودداری از خروج از آن کشور تا حدی که به جنگ با آمریکا در سال ۱۹۹۱ منجر شد، یکی از این نمونه‌ها است.

به طور کلی، بعد از جنگ ایران و عراق سلاحهای کشتار جمعی به عامل مهمی برای حفظ قدرت صدام در داخل عراق تبدیل شده بود. او از این سلاحها در اواخر دهه ۱۹۸۰ علیه کردها استفاده کرد و در جریان قیام شیعیان در سال ۱۹۹۱ نیز علائمی از سوی رژیم که حاکی از آمادگی‌اش برای استفاده از همین سلاحها علیه شیعیان و کردها بود، نشان داده شد. صدام قطعاً در این اندیشه بوده که چنانچه مخالفان

سلاحهای کشتار انبوه در عراق بود، پذیرش خلع سلاح به طور علنی می توانست به موقعیت او نزد طرفدارانش خدشه وارد کند.

۳-۳- اشتباه محاسبه

یکی از مشکلات بزرگ صدام که موجب فاجعه های زیادی برای مردم عراق و منطقه شد، موارد عدیده اشتباه محاسبه از سوی او بود. یکی از دلایلی که از سوی طرفداران سیاست دولت بوش برای اثبات ناکارآمدی و نامناسب بودن اصل مهار و بازدارندگی در ارتباط با رژیم قبلی عراق مطرح می شد، همین اشتباه محاسبات صدام حسین بود. آنها اگر چه می پذیرفتند که بنای صدام بر تفکر عقلانی و نه، همچون القاعده، تفکر انتحاری است، اما تأکید داشتند که سوابق وی در اشتباه محاسبه های فاجعه بار موجب شده تان توان او را یک طرف بازی عقلانی به شمار آورد. اشتباه محاسبه های صدام در مواردی چون شروع جنگ با کردهای عراق در سال ۱۹۷۴ و نوع برخورد با ایران در دوره قبل از انقلاب اسلامی که به قرارداد الجزیره انجامید، حمله او به ایران، اشغال کویت، عدم خروج از کویت و نوع تعامل با بازرسان از موارد عمده اشتباه محاسبه صدام حسین بود.^(۴۸) نهایتاً اشتباه محاسبه نهایی یا به قولی مادر همه اشتباه محاسبه ها بود که خاتمه رژیم او، کشته شدن دو پسرش و زندانی شدن خودش و رنجهای عظیم برای مردم عراق را در پی داشت. برخی

گزارشهای خبری که از نتایج بازجویی از مقامات دستگیر شده رژیم سابق عراق انتشار یافته حاکی از آن است که صدام حسین هیچ گاه باور نکرده بود که آمریکا اقدام به حمله زمینی و اشغال عراق خواهد کرد.

با توجه به چنین سابقه ای، می توان احتمال داد که صدام در تله ی ناشی از تصورات اولیه اش مبنی بر امکان گول زدن بازرسان و کوتاه بودن دوره تحریمها گرفتار شده بود. می توان تصور کرد که در نتیجه این اشتباه محاسبه و قرار گرفتن عراق تحت شرایطی طاقت فرسا و برای مدتی طولانی، خروج از باتلاق با گذشت زمان دشوارتر می شد، چرا که هرگونه همکاری ناگهانی او با بازرسان می توانست به معنی اذعان و اقرار او به اشتباه و به نابودی کشاندن بی دلیل کشور باشد.

همچنین، محتمل است که صدام در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۵ و در پی فرار دامادش به قمار بزرگی دست زد و ظاهراً تصمیم گرفت که بخش اعظم سلاحهای کشتار جمعی خود را خود نابود کند تا شانس آنسکام برای یافتن آنها و یافتن مدرکی را به حداقل کاهش دهد، تصور صدام می تواند این بوده باشد که در چنین صورتی و در غیاب مدارکی علیه رژیم، لغو تحریمها میسر می شد بدون اینکه وجهه او در داخل و خارج خدشه دار شود و خلع سلاح عراق از سلاحهای ممنوعه برای دوستان و دشمنان داخلی و خارجی به اثبات رسیده باشد.

همان طور که اشاره شد، اوج اشتباه محاسبات صدام حسین را باید در آنچه که به اشغال عراق و سرنگونی رژیم اش انجامید، دید. گزارشهای خبری که بر مبنای یک گزارش اطلاعاتی در باره نتایج بازجوییها از مقامات رژیم سابق عراق تهیه شده، گویای این گونه اشتباه محاسبه ها است. این گزارش اطلاعاتی که در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴ و برای مقامات ارشد پنتاگون تهیه شده، حاکی از آن است که به گفته مقامات رژیم سابق، صدام حسین اعتقاد داشته که کاخ سفید حاضر به تن دادن به تلفات در بین نظامیان آمریکایی نخواهد بود و در نتیجه دولت بوش تنها به پاره ای حملات هوایی بسنده خواهد کرد و عراق نیز قادر به مقاومت خواهد بود. بر اساس این گزارش، صدام حسین چنان بر این اعتقاد خود راسخ بود که اقدامی جدی برای

۳-۴- فساد داخلی و ساده لوحی صدام

دیوید کی در گزارشهای خود با استناد به گفتگوهایش با مقامات رژیم سابق عراق از نوعی فروپاشی مدیریت اجتماعی در دوره صدام حسین سخن گفته است. وی در این مصاحبه ها، از جمله، بر آشفتگی فزاینده امور حکومتی طی سالهای اخیر تحت رهبری صدام حسین و در نتیجه وضعیت به هم ریخته برنامه های تسلیحاتی غیر متعارف عراق و نیز ناتوانی دستگاههای اطلاعاتی آمریکا در کشف این وضعیت تأکید کرد.^(۴۹)

وی در مصاحبه با تلویزیون ای بی سی به گفتگوهایش با طارق عزیز و اینکه «طارق عزیز به عنوان مثال به تفصیل وضعیت عراق بعد از دوره ۱۹۹۸ را تشریح کرده» اشاره کرد. وی گفت به گفته طارق عزیز در این دوره «صدام منزوی تر بود و بیش از پیش اسیر رویا شده بود و به رمان نویسی و نمایش نامه نویسی روی آورده بود. مقید امور کشور نبود، اما به دانشمندان [فعال در امور تسلیحاتی] بدون هر نظارتی از بیرون پول می داد. او به معنای واقعی کلمه قلب تاریکی در جامعه ای بود که در حال متلاشی شدن بود.» وی در این مصاحبه اضافه کرد که

مقابله با حمله آمریکا به عمل نیامورد و در مقابل نیروهای نظامی اش را با هدف سرکوب قیامهای احتمالی در داخل کشور سازماندهی و در مناطقی که برای این منظور لازم بود، مستقر کرد.

بر اساس این گزارش و علی رغم پوشش خبری گسترده بسیج نظامی آمریکا در خاک کویت، وزارت دفاع عراق تصور می کرده که چنانچه حمله ای زمینی در دستور کار آمریکا باشد، از مرزهای اردن انجام خواهد شد. به گفته دستگیرشدگان عراقی ظاهراً برخی عملیات نیروهای ویژه آمریکا در غرب عراق موجب این اشتباه شده بود. گزارش بر آن است حمله

معتقد است که آمریکا کلاً آنچه را که در دوره بعد از ۱۹۹۸ در عراق در حال وقوع بود دریافت.^(۵۱)

به گفته کی، طارق عزیز در مصاحبه‌هایی بعد از دستگیری اش به او گفته است که صدام حسین طی دو سال آخر پیش از پیش از واقعیات فاصله گرفت و در حالی که نیروهای آمریکایی آماده حمله به عراق می‌شدند، وی دست نوشته‌های رمانهایش را جهت ویرایش برای طارق عزیز می‌فرستاده است.

«بهم ریختگی و آشوب» «توهم» و «گرداب فساد» از دیگر ویژگی‌های بود که دیوید کی به عنوان یافته‌های گروه خود درباره سالهای پایانی حکومت صدام حسین مطرح کرد. وی در یکی از مصاحبه‌های خود گفت: «آنچه بیش از هر چیز در سراسر عراق موجب تعجب من شد، هیچ ربطی به سلاحهای کشتار جمعی نداشت؛ بلکه کشف این نکته بود که صدام در واقع تمامی علاقه خود را برای اداره یک برنامه منسجم از دست داده بود و بیشتر به دنیای خیال و فساد علاقه مند شده بود. نتیجه چنین وضعی این بود که جامعه در حال متلاشی شدن بود و مردم در پی سودجویی از وضعیت بودند.» وی در این مصاحبه تأکید کرد که در حالی که رژیم در حال فرورفتن در بدترین نوع تباهی اخلاقی و فساد فرومی‌رفت، صدام در دنیای خیالی خود منزوی بود و در عین حال می‌توانست لطمات عظیمی به مردم عراق بزند، ضمن اینکه فساد و تلاش

برای به دست آوردن پول علت ریشه‌ای مشکلات بود.^(۵۲) به گفته کی در چنین شرایطی دانشمندان عراقی در حال اجرای برنامه‌های قلابی و غیرواقعی بودند

وی در جلسه ۲۸ ژانویه در کنگره او و تیم اش از طریق مصاحبه با دانشمندان عراقی و منابع دیگر دریافته است در حوالی سالهای ۱۹۹۷-۱۹۹۸ در آنچه که او «گرداب فساد» نامید گرفتار شد. به گفته او در این دوره فعالیتهای دولتی تدریجاً از کنترل خارج شد، چرا که صدام حسین که بیش از پیش منزوی و اسیر خیالات و رویا شده بود، اصرار داشت که شخصاً و بدون کسب نظر دیگران مجوز اجرای طرحهای عمده را صادر کند. به گفته کی بعد از شروع این «عصر تاریک»، دانشمندان عراقی دریافتند که خود رأساً می‌توانند به دیدار صدام بروند و برنامه‌های پرزرق و برقشان برای تولید سلاحهای ممنوعه را عرضه کنند و آنها را همراه با دریافت بودجه هنگفتی از تصویب او بگذرانند. به گفته کی هر آنچه که از توانایی تسلیحاتی مؤثر باقی مانده بود به این ترتیب در طرحهای پول ساز فساد توسط دانشمندانی که در دروغ گفتن و حفظ خود در یک جامعه پلیسی تب‌زده مهارت یافته بودند، تحلیل رفت. به این ترتیب «سیری فساد در برنامه‌های هدایت شده و تحت کنترل آغاز شد و رژیم کنترل را تدریجاً از دست داد و چیزی شبیه به یک دور مرگ شکل گرفت. صدام شخصاً

طرحها را هدایت می‌کرد و نظارت دیگری در کار نبود. در نتیجه دانشمندان قادر به جعل طرح بودند.»^(۵۳)

۴- یافته‌های دیویدکی و تعارض آن با

مواضع دولت آمریکا

دولت بوش در جریان بحثهایی که به اشغال عراق منتهی شد، با این فرض عمل می‌کرد که:

- اولاً رژیم بازرسیهای بین‌المللی شکست خورده،
- ثانیاً عراق به سلاحهای میکروبی و شیمیایی مجهز شده و در آستانه ساخت بمب اتمی است و
- ثالثاً تهدید فوری علیه آمریکا و متحدانش در منطقه شکل گرفته و در نتیجه اقدام با هدف پیشدستی ضروری است.

گزارشهای دیویدکی به معنی رد صریح ادعاهای اصلی دولت آمریکا برای توجیه اقدام نظامی علیه رژیم صدام حسین بود. وی تصریح کرد که سلاحهای کشتار جمعی حتی به مقدار اندک نیز در عراق یافته نشده است. وی همچنین در رد صریح برخی ادعاهای خاص و پرسروصدای مقامات عالی رتبه آمریکا مانند ادعای آزمایشگاههای سیار عراق برای تولید سلاح میکروبی نیز که انعکاس خبری گسترده‌ای در داخل آمریکا و خارج یافته بود، صراحت داشت. این امر طبعاً از نظر سیاست داخلی لطمه‌ای به موقعیت دولت بوش و حزب جمهوری خواه وارد کرد و در سطح بین‌المللی نیز به نحوی بی‌سابقه موجب بی‌اعتباری

نکته دیگری که از سوی دیویدکی در مورد کیفیت رهبری صدام حسین در ۵ سال آخر زمامداری او مطرح شده، ساده لوحی او است. وی در این مورد گفت که به اعتقاد او فریب خوردن صدام بعد از سال ۱۹۹۸ به یک «پدیده عادی» تبدیل شده بود و این در همه زمینه‌ها، و نه تنها در زمینه سلاحهای ممنوعه، صادق بود و به موازات فاسدتر شدن جامعه عراق تشدید می‌شد... وی همچنین خاطر نشان ساخت که در این اواخر دانشمندان عراقی برنامه‌های تسلیحاتی جاه‌طلبانه و تخیلی به صدام می‌فروختند و بودجه دریافتی را برای مقاصد دیگر صرف می‌کردند.^(۵۴)

در این میان البته ترس مستمر از توطئه‌های داخلی و خارجی نیز زمینه ساز بخشی از منازعات صدام حسین با جامعه بین‌المللی از جمله بازرسان سازمان ملل می‌شد. اینکه رژیم صدام حسین اجازه نمی‌داد که کاخها و مراکز حساس مورد بازرسی قرار گیرد، می‌تواند ناشی از این امر هم بوده باشد. در عین حال، این امر به تردید دنیای خارج در مورد امکان وجود سلاحهای ممنوعه در این اماکن دامن می‌زد. در حالی که همان گونه که مقامات عراقی همواره اصرار داشتند نگرانی از قصد توطئه برای سرنگونی و یا ترور صدام می‌توانست

ارزیابیهای دولت آمریکا شد. با توجه به رد توجیحات دولتین آمریکا و انگلیس برای حمله به عراق، سوالاتی که در مورد نحوه برخورد مقامات دولت بوش (و دولت بلر) با بحران عراق مطرح و به مسائلی مهم در سیاست داخلی آمریکا (و انگلیس) تبدیل شد، به شرح زیر قابل تلخیص است:

○ آیا مقامات آمریکایی بدترین حالت ممکن^(۵۵) را در رابطه با تهدیدات احتمالی از ناحیه عراق مبنای کار قرار دادند تا حمایت لازم برای حمله به عراق را در داخل و در سطح بین‌المللی به دست آورند؟

○ آیا مقامات عالی رتبه دولت آمریکا اطلاعات محرمانه در مورد برنامه‌های تسلیحاتی عراق را مورد سوءاستفاده قرار داده و آنها را بزرگ‌تر از آنچه که واقعاً بود، جلوه دادند؟

○ و نهایتاً آیا مقامات آمریکایی ادعاهایی را در مورد توانایی تسلیحاتی عراق مطرح کردند که مورد قبول سازمانهای اطلاعاتی آمریکا نیز نبود؟

۱۰ ماه بعد از تغییر رژیم در عراق، دو چیز در مورد دلایل مطروحه از سوی دولت بوش برای شروع جنگ کم و بیش محرز شده بود: نخست اینکه سازمانهای اطلاعاتی آمریکا که عمدتاً به تجهیزات فنی و فراریان غیر قابل اعتماد عراقی متکی بودند، در برآورد موجودی و برنامه‌های تسلیحاتی غیر متعارف عراق سخت اشتباه

کردند و دوم اینکه دولت بوش برای پیشبرد سیاست تغییر رژیم حتی از برآوردهای اطلاعاتی نیز فراتر رفت و دلایلی را برای توجیه جنگ مطرح کرد که حتی مورد تأیید جامعه اطلاعاتی آمریکا نیز نبود.

دولت آمریکا در جریان تلاش برای توجیه ضرورت جنگ، علاوه بر پرداختن به سلاحهای شیمیایی که رژیم عراق قبلاً مورد استفاده قرار داده بود، مکرراً شبیح سلاحهای اتمی و میکروبی عراق را نیز که واقعاً در صورت به کارگیری می‌توانستند تلفاتی عظیم در پی داشته باشند، مطرح کرد. مقامات آمریکایی مکرراً هشدار دادند عراق می‌تواند این سلاحها را علیه اهدافی در خاک آمریکا از طریق دادن آن به تروریستها و یا شلیک آنها از نقاطی در آبهای اطراف آمریکا به کار گیرد.

در همین رابطه، به عنوان مثال، دیک چنی طی سخنانی در اوت ۲۰۰۲ گفت: «هیچ تردیدی وجود ندارد که صدام حسین هم اکنون سلاحهای کشتار جمعی در اختیار دارد. تردیدی وجود ندارد که او این سلاحها را برای حمله به دوستان ما، متحدان ما و خود ما جمع آوری کرده است.» بوش نیز در یک نطق رادیویی در ۸ فوریه ۲۰۰۳ گفت: «منابع ما به ما می‌گویند که صدام اخیراً به فرماندهان مناطق، مجوز لازم برای استفاده از سلاحهای شیمیایی را داده است، یعنی سلاحهایی که دیکتاتور می‌گوید در اختیار ندارد.» وی در التیماتوم ۱۷ مارس خود

به صدام حسین نیز گفت: «اطلاعات گردآوری شده توسط دولت آمریکا و دیگر دولتها تردیدی باقی نمی‌گذارد که رژیم عراق به داشتن و مخفی کردن برخی از مرگبارترین سلاحهای موجود ادامه می‌دهد.»^(۵۶)

در همین رابطه رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، در گزارشی به یکی از کمیته‌های کنگره در سپتامبر ۲۰۰۲ گفت: «صدام حسین ذخایر مخفی بزرگی از سلاحهای میکروبی، شامل انترکس، بوتولیسم تاکسین و احتمالاً میکروب آبله گردآوری کرده است. وی همچنین ذخایر مخفی بزرگ نیز از سلاحهای شیمیایی، شامل گاز اعصاب، سارین و گاز خردل در اختیار دارد.»^(۵۷) کالین پاول در فوریه ۲۰۰۳ به شورای امنیت گفت: «ما از منابع خود می‌دانیم که یک تیپ موشکی مستقر در خارج از بغداد مشغول توزیع راکت اندازه‌ها و کلاهکهای حامل سلاح میکروبی در محل‌های مختلف است. اکثر این راکت اندازه‌ها و کلاهکها در باغات بزرگ خرما مخفی شده‌اند و برای اجتناب از شناسایی باید هر یک تا چهار هفته یکبار جابجا شوند. هیچ تردیدی نباید داشت که صدام حسین سلاحهای بیولوژیکی دارد و توانایی به کارگیری این سموم و بیماریهای مهلک را به نحوی که کشتار و ویرانی عظیمی را موجب شود، دارد.»^(۵۸)

مقامات آمریکا با طرح چنین احتمالاتی ظاهراً از آنچه که مورد اجماع سازمانهایی اطلاعاتی بود، فراتر رفتند. اگر چه سازمانهای

اطلاعاتی آمریکا و برخی دیگر از کشورها از وجود سلاحهای ممنوعه در عراق اظهار اطمینان می‌کردند، اما اینکه تهدیدی فوری از سوی عراق متوجه آمریکا و متحدانش وجود دارد، مورد تأیید آنها نبود. بوش و همکارانش اگر چه کلمه «قریب الوقوع»^(۵۹) را در این رابطه به کار نبردند، اما به طور ضمنی آن را افاده می‌کردند. بوش در سخنرانی‌اش در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۲ عبارت «تهدید خطرناک و در حال شکل‌گیری»^(۶۰) را به کار برد. وی تأکید می‌کرد که «ما نمی‌توانیم منتظر مدرک نهایی و سند عینی»^(۶۱) بمانیم که ممکن است به شکل یک ابرقارچ مانند (اشاره به قارچ اتمی) دیده شود.»^(۶۲) بوش در یک سخنرانی در اکتبر ۲۰۰۲ که اندکی قبل از رأی‌گیری در کنگره راجع به دادن مجوز به او برای توسل به زور علیه عراق انجام شد، هشدار داد که اگر عراق بتواند مقداری اورانیوم غنی شده، اندکی بیشتر از حجم یک توپ بیس بال، «تولید، خریداری یا سرقت کند»، قادر به داشتن یک بمب اتمی ظرف یک سال خواهد بود. وی در همین سخنرانی تأکید کرد که «با درک تهدیدهای زمانه ما و با اطلاع از طرحها و فریب کاریهای رژیم عراق، ما همه گونه دلیلی برای فرض بدترین حالت داریم و موظف‌ایم که فوراً برای جلوگیری از وقوع بدترین وضعیت ممکن اقدام کنیم.»^(۶۳)

سخنان بوش در مورد توانایی عراق در ساخت

یک بمب در صورت دستیابی به اورانیوم بسیار غنی شده در تئوری و از نظر فنی می‌توانست درست باشد، اما بیان چنین فرضی توسط بوش در همان سخنرانی، در عین حال، به معنی نادیده گرفتن ارزیابی سازمانهایی اطلاعاتی آمریکا بود که در برآوردهای خود تحقق چنین امری را با توجه به تحریمهای مؤثر و دیگر محدودیتها «غیر محتمل» دانسته بودند. اجماع جامعه اطلاعاتی آمریکا در آن زمان بعداً در ژانویه ۲۰۰۴ نیز توسط رئیس سیا در یک سخنرانی مهم در دانشگاه جورج تاون مورد تأیید قرار گرفت، این بود که عراق به ۵ تا ۷ سال وقت برای ساختن یک بمب نیاز داشت.

بعداً در عمل مشخص شد که حتی چنین برآوردی نیز با توجه به وضع اسفبار تأسیسات هسته‌ای عراق که بعد از اشغال کشور عیان گردید، اغراق‌آمیز بوده است. جرج تنت در سخنرانی یاد شده به روشنی گفت: «ما گفتیم صدام سلاح هسته‌ای ندارد و احتمالاً قادر به ساختن چنین سلاحی تا ۲۰۰۹ تا ۲۰۰۷ نیز نخواهد بود». در این سخنرانی وی همچنین تأکید کرد که ما هرگز نگفتیم که عراق یک

«تهدید قریب الوقوع»^(۶۴) است^(۶۵).

از طرفی، سازمانهای اطلاعاتی آمریکا در آستانه رأی‌گیری در کنگره در اکتبر ۲۰۰۲ راجع به اختیارات جنگی رئیس جمهور، در گزارشهای خود، هر چند به غلط، خاطر نشان می‌کردند که برنامه‌های تسلیحات میکروبی

عراق فعال است و اکثر عناصر میکروبی هم در حجم بیشتر و هم به صورت پیشرفته‌تر به نسبت دوره قبل از جنگ کویت وجود داشته است. با این حال، اسناد مربوطه در ارزیابی اینکه عراق چه تسلیحاتی در اختیار دارد محتاط بودند و نتیجه‌گیری می‌کردند که عراق بعضی انواع عوامل مرگبار میکروبی را در اختیار دارد و می‌تواند به سرعت مقادیر بیشتری تولید کند. با این حال رئیس جمهور بوش و دیگر مقامات آمریکایی غالباً احتمالات و احتیاطهای مندرج در برآوردهای اطلاعاتی را نادیده گرفتند و مسکوت گذاشتند. بوش در سخنرانی ۱۷ اکتبر ۲۰۰۲ خود با اشاره به بخشهایی از گزارشهای دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل در مورد نامشخص بودن سرنوشت مواد موجود در عراق در اوایل آن دهه، این تصور را در شنونده سخنانش ایجاد کرد که عراق می‌تواند مقادیر زیادی انترکس تولید کرده باشد. وی هشدار داد که عراق احتمالاً به اندازه کافی انترکس برای «ایجاد ذخیره عظیمی از سلاحهای میکروبی تولید کرده است که قادر به کشتن میلیونها نفر است»^(۶۶)

یک ماه قبل از تصویب اختیارات جنگی برای بوش در کنگره آمریکا، تنت و چنی به کنگره رفتند تا رهبران مجالس سنا و نمایندگان را در جریان آنچه که آمادگی صدام حسین برای شروع حملات میکروبی علیه خاک آمریکا با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین

می خواندند، قرار دهند. ترنت لات رهبر وقت جمهوری خواهان در سنا که یکی از چهار نفری بود که از سوی چنی و تنت توجیه شد،

بعداً در مصاحبه‌ای گفت که «شک نیست که این گونه اطلاعات بر ما تأثیر گذاشت». قابل توجه است که در آن زمان نیروی هوایی آمریکا که بیشترین تخصص را در این زمینه دارد بر آن بود که این هواپیماهای بدون سرنشین اصولاً برای شناسایی توسط عراق ساخته شده بودند.^(۶۷)

به علاوه، تهدید خوفناک دیگری که دولت بوش مطرح کرد، آن بود که دولت صدام حسین احتمالاً سلاحهای کشتار جمعی را برای حمله به آمریکا در اختیار تروریستها قرار خواهد داد.

این فرضیه گام بزرگی فراتر از آنچه بود که تحلیلگران اطلاعاتی پیش بینی می کردند. جرج تنت، رئیس سیا، طی نامه‌ای به کنگره در اکتبر ۲۰۰۲ با علنی کردن بخشی از گزارشهای اطلاعاتی خود به دولت تصریح کرد که سیا به این نتیجه رسیده که عراق قصدی برای انجام عملیات تروریستی علیه آمریکا با استفاده از نفرات خود ندارد. وی اضافه کرد که اما اگر رژیم صدام حسین مورد حمله قرار گیرد و به اندازه کافی احساس ناامیدی کند ممکن است که «گامی افراطی» برداشته و به تروریستها برای حمله شیمیایی یا بیولوژیکی به خاک آمریکا یاری رساند و «این آخرین شانس او برای انتقام‌گیری از طریق به نابودی کشاندن شماری

کثیری قربانی به همراه خود خواهد بود.»^(۶۸) آن طور که بعداً مشخص شد اساساً سلاحی برای دادن به تروریستها وجود نداشته است.

رشته‌ای که همه این موارد را به هم وصل می کند این است که همان طور که اشاره شد، دولت بوش اصولاً بدترین سناریوها را مبنای کار قرار داد و در داده‌هایی اطلاعاتی موجود قبل از حمله به عراق تا حد زیادی اغراق نیز کرد تا بتواند حمایت داخلی و بین‌المللی را برای حمله سریع به دست آورد. در این رابطه حتی تا آنجا پیش رفت که نخواست با فرصت یک ماهه‌ای نیز که از سوی برخی کشورهای اروپایی برای بازرسان سازمان ملل درخواست شده بود موافقت کند.

البته، در مجموع، تردید نیست که در بین سازمانهای اطلاعاتی غربی در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ تقریباً اجماع وجود داشت که صدام نه فقط برنامه تولید سلاحهای کشتار جمعی را دنبال می کند بلکه ممکن است ذخایری از چنین سلاحهایی نیز در اختیار داشته باشد.^(۶۹) اقلیتی نیز که در بین دواير اطلاعاتی آمریکا و کشورهای اروپایی تردیدهایی در این مورد داشتند، صدایشان انعکاسی چندانی نداشت. بعد از گزارشهای دیویدکی برخی کوشیدند تا با استناد به این صداها این فرض را که دولت بوش اطلاعات موجود را بزرگنمایی کرد و آنها را برخلاف نظر ارائه کنندگان نشان قطعی شمرد، بر شدت فشار سیاسی بر دولت بیافزایند.

در این رابطه، استناد سناتور ادوارد کندی در نشست دیوید کی با کمیته نیروهای مسلح سنا در ۲۸ ژانویه به نظرات دایره اطلاعاتی وزارت خارجه آمریکا قابل توجه است. سناتور کندی در این نشست به اظهارات گرک تیلمن^(۷۰) مسئول سابق اشاعه استراتژیک و امور نظامی در اداره اطلاعات محرمانه و تحقیق در وزارت خارجه آمریکا در مورد آنچه که برخورد گزینشی مقامات عالی رتبه آمریکا با اطلاعات محرمانه نامیده بود، اشاره کرد و بخشهایی از سخنان وی در ژوئیه ۲۰۰۴ مبنی بر اینکه «بخشی از تقصیرات متوجه جامعه اطلاعاتی است اما بخشی دیگر به سوء استفاده از اطلاعات ارائه شده بر می گردد» را قرائت کرد. به گفته کندی، تیلمن بر آن بوده که مقامات عالی رتبه بخشهایی از اطلاعات محرمانه را که در تأیید نظرات آنها بوده مورد استفاده قرار می داده و مابقی را نادیده می گرفته اند. تیلمن نهایتاً نتیجه گیری می کند که آنچه که اتفاق افتاده بیش از یک شکست اطلاعاتی بوده و از دستکاری در اطلاعات محرمانه برای توجیه تصمیم به شروع جنگ ناشی می شده است. جواب کی به کندی این بود که شما اگر به مجموعه ی اطلاعات محرمانه ۱۲-۱۵ سال گذشته نگاه کنید مشکل می توان به نتیجه ای متفاوت با آنچه که دو دولت بوش و کلینتون رسیدند، برسید.^(۷۱)

جناح تندرو در دولت بوش، خصوصاً غیر نظامیان در پنتاگون و دفتر دیک چنی، که بعد از

حوادث ۱۱ سپتامبر از موقعیت بهتری برخوردار شده بود، در کشاندن دولت به سمت قرائتی افراطی و در عین حال ساده لوحانه از اطلاعات محرمانه موجود نقش عمده داشت. به نوشته کنت پولاک که دو بار در دهه ۱۹۹۰ سابقه کار در شورای امنیت ملی آمریکا را داشته و از سال ۲۰۰۱ به بعد در مؤسسه تحقیقاتی بروکینگز به کار اشتغال دارد، مشکلی که از عملکرد «دفتر طرح ویژه»^(۷۲) ناشی می شد، این بود که هر گاه «کمیته مقامات ارشد» تشکیل جلسه می داد، «دو گزارش حاوی دو برداشت کاملاً متفاوت و واقعیتها و اطلاعات محرمانه پیش رو داشت. سازمان سیا و وزارت خارجه و افسران ارتش برداشتی از واقعیت را ارائه می کردند که عمدتاً با آنچه که مدنظر مسئولان حرفه ای در جامعه اطلاعاتی و سیاست خارجی بود، هماهنگی داشت. برداشت دیگری از واقعیت توسط دفتر طرح ویژه ارائه می شد که عمدتاً بر خط فکری مقامات غیر نظامی وزارت دفاع و اعضای دفتر معاون رئیس جمهور منطبق بود. این دو برداشت به حدی با هم در تضاد بودند که امکان مصالحه و رسیدن به حد وسطی وجود نداشت. در نتیجه، اتخاذ برخی تصمیمات برای دولت بوش دشوار و حتی غیر ممکن شد یا به عکس تصمیماتی که به غایت اشتباه بود، از جمله تصمیمات مربوط به دوره بعد از سقوط صدام، گرفته می شد.»^(۷۳)

همان طور که جلوتر تشریح شد، علی رغم

توجهات مطرح شده از سوی دولت آمریکا برای حمله به عراق، دیوید کی در گزارشهای خود در ژانویه ۲۰۰۴ صراحت داشت که ذخایری از سلاحهای کشتار انبوه در عراق وجود نداشته و گروه تحقیق حتی به ذخیره کوچکی از این سلاحها نیز برنخورده است.

نتیجه گیری کلی تر دیوید کی که در مصاحبه با نیویورک تایمز ابراز شد این بود که به اعتقاد او «عراق خطری برای جهان بود، اما نه در حدی که دولت بوش علناً به تصویر کشید. در شرایطی که تروریستها در عراق تردد داشتند و این کشور امکاناتی در زمینه سلاحهای هسته ای داشت و در عین حال کنترلی در کار نبود، سیا شواهد حاکی از آشفته گی و اغتشاش در رهبری عراق را ندید و تصویری از اینکه تا چه حد این اغتشاش تواناییهای تسلیحاتی عراق را فاسد کرده یا تهدید ناشی از دانش علمی کنترل نشده در دست تروریستها نداشت. وی در همین مصاحبه گفت: مشکل اصلی سازمان سیا این بود که برای مدت ۵ سال جاسوسی را از خودش در محل که بتواند اطلاعات درستی ارسال کند، نداشت. در دهه

۹۰ سیا به خاطر اطلاعات محرمانه ای که از بازرسان سازمان ملل در محل دریافت می کرد، راحت طلب شد. اما بعد از خروج بازرسان در سال ۱۹۹۸ کیفیت اطلاعات سقوط کرد. سیا بیش از حد به جاسوسی از طریق ماهواره ها، رهگیری مکالمات، اطلاعات دریافتی از

جاسوسان خارجی و فراریان و تبعیدیها وابسته شده است. و لذا تحلیل گره های سیا نمی توانستند با اطلاعات اندک و ناقص کاری انجام دهند و سیا هم این مطلب را که تحلیلهایش بیش از پیش بر اطلاعات محدود استوار بود، به اطلاع رهبران سیاسی نرساند. (۷۴)

با این حال، دیوید کی هیچ گاه از متهم کردن رژیم صدام حسین به «نقض فاحش» قطعنامه ۱۴۴۱ اجتناب نکرد. وی در گزارش ۲۸ ژانویه خود گفت: «بر مبنای کاری که تا کنون در عراق انجام گرفته ... رژیم صدام به وضوح مفاد قطعنامه ۱۴۴۱ را نقض کرده بود. این قطعنامه از عراق می خواست تا کلیه فعالیتهايش را گزارش کند... ما هم بر مبنای اسناد و مدارک و هم شواهد فیزیکی و شهادت عراقیها، صدها مورد از فعالیتهایی را که بر اساس قطعنامه اولیه سازمان ملل (۶۷۸) ممنوع بود و باید مطابق قطعنامه بعدی (۱۴۴۱) اعلام می شدند، کشف کردیم. عراقیها شهادت دادند که نه تنها درباره این برنامه ها به سازمان ملل اطلاعی داده نشد، بلکه دستور داشتند که اطلاع ندهند و مواد را مخفی کنند.»

گزارش کی به کمیته نیروهای مسلح سنا در شرایطی ارائه شده که دولت بوش (و دولت تونی بلر در انگلیس) طی ماههای قبل آن اصرار می کردند که «گروه بررسی عراق» به شواهدی دال بر وجود سلاحها کشتار جمعی در عراق دست یافته و شواهد بیشتری بر ملا خواهد شد.

هم زمان برخی نیز در دولت آمریکا مشغول ارزیابی شرایط برای اتخاذ سیاست جدیدی مبنی بر اینکه اساساً دولت از ابتدا مدعی وجود سلاحهای کشتار جمعی در عراق نبوده، بلکه نگران برنامه‌های تسلیحاتی عراق بوده است. اظهارات صریح دیوید کی شرایط را به طور کلی دگرگون کرد و دولت بوش را ناچار از موافقت با تشکیل یک کمیته تحقیق مرکب از نمایندگان دو حزب دمکرات و جمهوری خواه کرد.

حتی بعد از گزارش دیوید کی، کسانی چون دیک چنی و دونالد رامسفلد به اصرار بر اینکه همچنان ممکن است که سلاحهای ممنوعه در عراق یافت شود ادامه دادند. یک هفته بعد از گزارش کی به سنا، رامسفلد «این فرضیه را که ممکن است در آغاز جنگ سلاح کشتار جمعی در عراق نبوده باشد»، رد کرد. وی گفت: «چنین فرضی را ممکن می‌دانم اما نه محتمل» وی سپس فرضیاتی دیگر همچون قاچاق سلاحها به خارج عراق و ناتمام بودن کار تحقیقات در عراق و ... را پیش کشید.^(۷۵) با این حال، موضع بوش در گزارش سالانه‌اش به کنگره در ژانویه ۲۰۰۴ بیشتر به نتیجه‌گیری دیوید کی نزدیک بود. وی در این سخنرانی از «فعالتهای عراق در چارچوب برنامه‌های تولید سلاحهای کشتار جمعی» سخن گفت.

کی در واکنشی نسبت به اظهارات بوش در سخنرانی فوق‌الذکر طی مصاحبه‌ای با روزنامه

گاردین، ضمن ابراز این که معتقد است، جورج بوش بانیت خیر به جنگ در عراق رفت، اضافه کرد که «مسئله این است که باید صادقانه با مردم آمریکا مواجه شد. اینکه تنها عبارتی در سخنرانی سالانه درج شود کافی نیست. او باید بگوید ما در اشتباه بودیم و من مصمم‌ام راهی برای خروج از این مشکل بیابم.» وی با اشاره به اینکه معتقد است که مرکز مقاومت در برابر اذعان صادقانه و صریح به واقعیات در پنتاگون و سیاست گفت: کاخ سفید باید این مقاومتها را بی‌اثر کند، در غیر این صورت اعتقاد به دولت همان طور که در مورد بحران ویتنام دیده شد، لطمه خواهد خورد. وی افزود: «عدم پذیرش اشتباه موجب این اعتقاد کلی می‌شود که در اطلاعات محرمانه دست برده شده و این کار برای مقاصد دیگری انجام شده. بیم آن دارم که چنین نیز بشود چرا که دولت در گفتن اینکه اطلاعات محرمانه غلط بوده است، مشکل دارد.» وی گفت «چنین وضعی رابطه با متحدان را بسیار دشوار خواهد کرد. فکر می‌کنم که ما اعتبار خود را در زمینه اطلاعات محرمانه از دست داده‌ایم. بار دیگر اگر فریاد بزنیم که سینما آتش گرفته، مردم در قبول سخن ما تردید خواهند کرد.»^(۷۶)

در مجموع، واقعیت این است که اظهارات دیوید کی کاخ سفید و تقریباً همه بخشهای دولت بوش را در موضع دفاعی قرار داد و تلاشهایی از سوی آنها برای محدود کردن دامنه

Times, June 12, 2003

7- Iraqi Weapons Of Mass Destruction

Programs, Hearing Of The Senate Armed Services Committee, Federal News Service, January 28, 2004

8- Associated Press Online, January 25, 2004 Sunday

9- Dana Priest and Walter Pincus, **Search in Iraq Finds No Banned Weapons; Tenet Assails Panel Leaders' Criticism of Prewar Data**, The Washington Post, October 3, 2003

10- Hearing of the Senate Armed Services Committee, op. cit.

11- Douglas Jehl, **A Region Inflamed: Intelligence; U.S. to Shift Some Experts From Arms To Antiterror**, The New York Times, November 27, 2003

12- SHOW: BUCHANAN & PRESS, (transcript), MSNBC, February 5, 2003 Wednesday

13- Brookings Institution's Briefing On Iraq's Weapons Declaration And U.S. Policy Response, Fdch Political Transcripts, December 12, 2002

14- preemptive strike

15- **Ted Koppel Interviewing David Kay**, Nightline, ABC News Transcripts, January 28, 2004

16- James Risen, **The Struggle For Iraq: Intelligence; Ex-Inspector Says C.I.A. Missed Disarray in Iraqi Arms Program**, The New York Times, January 26, 2004

17- Walter Pincus and Dana Milbank, **Kay Cites Evidence Of Iraq Disarming; Action Taken in '90 s, Ex-Inspector Says**, The Washington Post, January 28, 2004

18- Charles A. Duelfer

19- Jim Mannion, **Former UN weapons inspector replaces David Kay as Iraq WMD adviser**, Agence France Presse, January 23, 2004

20- James Risen, **The Struggle For Iraq:**

لطمت را موجب شد. ارائه توجیحات دیگری برای جنگ، از جمله جنایات صدام، استناد به طرح برخی دعاوی مشابه دعاوی دولت کلینتون و دولتهای اروپایی، تلاش صریح یا ضمنی سازمانهای اطلاعاتی از یک سو و سازمانهای دولتی از سوی دیگر برای پذیرش سهم کمتری از تقصیر از این جمله تلاشها است. چنین شرایطی طبعاً در سال انتخابات در آمریکا، موجب تحرك بیشتری در حزب دمکرات و اصرار در کنگره و رسانه ها جهت اقدام برای روشن کردن موضوع شد.

اینکه دیوید کی در اظهارات خود غالباً سازمانهای اطلاعاتی و نه دولت بوش را مقصر دانست، اگر چه کمکی به دولت بوش بود و مشکل دولت را تا حدی کاهش داد، اما آن را حل نکرد. هم سازمان سیا و هم اعضای دمکرات در کنگره و بسیاری از نمایندگان رسانه ها این بخش از نتیجه گیریهای دیوید کی را به چالش کشیدند.

پانوشت ها

- 1- The Iraq Survey Group
- 2- Defense Intelligence Agency
- 3- the Threat Reduction Agency
- 4- William J. Broad, **A Nation At War: Arms Hunt**; The New York Times, April 16, 2003
- 5- Dr. David kay
- 6- James Risen, **After the War: Illegal Weapons; U.S. Asks Ex-U.N. Inspector to Advise on Arms Search**, The New York

۲۴۲



Survey Group (ISG) Before the House Permanent Select Committee on Intelligence, the House Committee on Appropriations, Subcommittee on Defense, and the Senate Select Committee on Intelligence, October 2, 2003, available at:

<http://www.cia.gov/cia/publicaffairs/speeches/2003/davidkay10022003.html>

34- Allard

35- al-Tuwaitha

36- **Iraqi Weapons Of Mass Destruction Programs**, Hearing, op. cit.

37- James Risen, **The Struggle For Iraq: Intelligence ...** op. cit.

38- delivery systems

39- clustered engine liquid propellant missile

40- **Ted Koppel Interviewing David Kay**, Nightline, ABC News Transcripts, January 28, 2004

41- James Risen, **Russian Experts Reportedly Gave Iraq Missile Aid**, the New York Times, March 5, 2004

42- RPV- 20, RPV- 30 and Pigeon RPV systems

43- the creative ambiguity

44- **Iraqi Weapons Of Mass Destruction Programs**, Hearing, op. cit.

45- the constructive ambiguity

46- Walter Pincus and Dana Milbank, **Kay Cites Evidence Of Iraq Disarming; Action Taken in '90s Ex-Inspector Says**, The Washington Post, January 28, 2004

47- **Iraqi Weapons Of Mass Destruction Programs**, Hearing, op. cit.

48- Kenneth M. Pollack, **Why Iraq Can't Be Deterred**, The New York Times, September 26, 2002

49- Thom Shanker, **How Saddam misjudged America's resolve on going to war**, The International Herald Tribune, February 14, 2004

50- James Risen, **The Struggle For Iraq:**

Intelligence ... op. cit.

۲۱- کی در گزارش ۲۸ ژانویه اش به عنوان مثال از ۱۳۰ انبار مهمات متعلق به ارتش عراق سخن گفت که در هر یک از آنها به طور متوسط ۶۰۰ هزار تن مهمات نگه داری می شود. وی گفت ممکن است مواد ممنوعه ای در بین این انبارها مخفی شده باشد که یافتن آن به سادگی میسر نیست.

22- Hearing of the Senate Armed Services Committee, op. cit

23- **Ted Koppel Interviewing David Kay**, Nightline, ABC News Transcripts, January 28, 2004

24- **Iraqi Weapons Of Mass Destruction Programs**, Hearing Of The Senate Armed Services Committee, Federal News Service, January 28, 2004

25- **Iraqi Weapons Of Mass Destruction Programs**, Hearing, op. cit.

26- James Risen, **The Struggle For Iraq: Intelligence ...** op. cit.

27- Ted Koppel Interviewing David Kay, Nightline, ABC News Transcripts, January 28, 2004

۲۸- دیوید کی همچنین تأکید کرد که عراقیها از افشاگریهای حسین کامل، داماد صدام، که در سال ۱۹۹۵ به اردن گریخت واهمه داشتند. به گفته کی یک سند عراقی که به دست آمده نشان می دهد که تاچه حد عراقیها اعتقاد داشتند که فرار حسین کامل می توانست به هر تلاشی برای ادامه برنامه های تسلیحاتی ممنوعه لطمه بزند.

رک

James Risen, **The Struggle For Iraq Intelligence; Ex-Inspector Says C.I.A. Missed Disarray in Iraqi Arms Program**, The New York Times, January 26, 2004

29- Reference strains of biological organisms

30- Brucella and Congo Crimean Hemorrhagic Fever (CCHF)

31- electromagnetic isotope separation (EMIS)

32- propellant

۳۳- نشست دیوید کی در کنگره در اکتبر ۲۰۰۳ غیر علنی بود. بعداً سازمان سیا گزارش کتبی کی به کنگره را منتشر کرد. ر.ک:

Statement By David Kay on the Interim Progress Report on the Activities of the Iraq

68- Sonni Efron And Sebastian Rotella, **Confrontation With Iraq; Inside the Mind of a Dictator**, Los Angeles Times, October 12, 2002

۶۹- در مقاله زیر شرحی در مورد نظرات سازمانهای اطلاعاتی و دولتهای غربی، از جمله روسیه، چین، انگلیس و فرانسه و نیز سازمان ملل، راجع به وجود سلاحهای کشتار جمعی عراق در دوره مورد اشاره داده شده است:

Kenneth M. Pollack, **Spies, Lies, and Weapons: What Went Wrong**, The Atlantic Monthly January/February 2004

70- Greg Thielmann

71- **Iraqi Weapons Of Mass Destruction Programs**, Hearing Of The Senate Armed Services Committee, Federal News Service, January 28, 2004

۷۲- پنتاگون دفتر اطلاعات ویژه و ویژه Office of Special Plan را بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر جهت تحلیل اطلاعات محرمانه به نحو مورد نظر خود ایجاد کرده بود و عمدتاً عناصر نزدیک به نو محافظه کارها آن را اداره می کردند.

73- Kenneth M. Pollack, op. cit.

74- James Risen, **The Struggle For Iraq: Intelligence ...** op. cit.

75- Rowan Scarborough, **Rumsfeld says Iraq likely had arms; Disagrees with Kay**, The Washington Times, February 5, 2004

76- Julian Borger G2 The inspectors final report: The Guardian (London) March 3, 2004

۷۷- جورج تنت رئیس سیاطی سخنانی در نشست کمیته نیروهای مسلح سنا در ۹ مارس گفت که تا آن تاریخ در ارتباط با سه مورد، به طورخصوصی به بوش و چنی گفته است که مطالب مطرح شده از سوی آنها در مورد عراق نادرست بوده است. اظهارات بوش در مورد خرید اورانیوم از آفریقا توسط عراق، تأیید علنی گزارش معاون وزارت دفاع در مورد رابطه صدام و القاعده و اظهارات چنی در ۹ ژانویه ۲۰۰۴ در مورد استفاده عراق از دو آزمایشگاه سیار برای تولید سلاحهای میکروبی سه موردی است که تنت به آنها اشاره کرد. ر.ک:

Douglas Jehl, **C.I.A. Chief Says He's Corrected Cheney Privately**, the New York Times, March 10, 2004

Intelligence; op. cit.

51- **Ted Koppel Interviewing David Kay**, Nightline, ABC News Transcripts, January 28, 2004

52- Interview with David Kay, **Tenet and Kay Speak About Weapons of Mass Destruction**, transcript, CNN INTERNATIONAL, February 5, 2004

۵۳- دیوید کی در جای دیگر احتمال داده که همین امر می تواند به ارتکاب اشتباه توسط جامعه اطلاعاتی آمریکا کمک کرده باشد.

54- James Risen, **The Struggle For Iraq: Intelligence**; op. cit.

55- worst-case scenarios

56- Dana Milbank, **Bush Remarks Confirm Shift in Justification for War**, The Washington Post, June 1, 2003

57- David G. Savage, **Failed Arms Search Called Blow to Strike-First Policy**, the Los Angeles Times, February 2, 2004

58- **Powell Makes His Case**; Excerpts From Powell's Presentation in the UN Security Council, the Los Angeles Times > February 6, 2003

59- imminent

60- dangerous and gathering threat

61- smoking gun

62- David E. Sanger, **Threats And Responses: The President's Speech; Bush Sees 'Urgent Duty' to Pre-empt Attack by Iraq**, The New York Times, October 8, 2002

63- G. Bush, **Confronting Iraq Threat 'Is Crucial to Winning War on Terror**, (Transcript) the New York Times, October 8, 2002

64- imminent threat

65- -----, (full transcript), Federal News Service, February 5, 2004

66- G. Bush, **Confronting Iraq Threat**, op. cit.

67- **Interview With Jay Rockefeller, Trent Lott** (transcript), Fox News Network, FOX NEWS SUNDAY, February 1, 2004